

ملت مشروطه نشده ام ، در ممالک مشروطه جراید آزاد نیست ؟ اگر میترسی چرا مینویسی . وگرنه تیر انداختن کمان را نهفتن از برای چه ؟

ای محررین مقاله ها ای آقایان من ! حق شما بر ما بسیار است ، احترام بر شما لازم ، ولی از شما خواهشمندم که در وقت نوشتن بمقاله های جبل المتین که در عنوان جریده از طرف محررین نامه مقدسه تحریر میشود که چه طور صاف ساده از عبارات رکبکه و الفاظ غریبه آزاده اند وقاره با کمال سهولت میتواند واقف مطالب گردد وقت همطور نویسد تا وطنیان مستفید شوند . و ما علی الرسول الی البلاغ ح . ن

اعلان

تاریخ سرجان ملک مصور که نقشه ایران را هم داراست بطبع اعلی ، کاغذ و خط خوب ، در نمبر ۱۶ وکتوریا رود . کریس لین ، مازگام ، بمبئی . نزد آقا میرزا محمود صاحب تاجر کاشانی ، و در اداره جبل المتین کلکته بقیعت دوازده روپه بفروش میرسد ، اجرت پست بر ذمه خریدار است بهر یک از این دو مرکز میتوانند رجوع نمایند ، نقشه ایران نیز علیحده بقیعت دوروپه بفروش میرسد

ایضاً

بومیه جبل المتین با مسلك و مشرب پانزده ساله خود در طهران اشاعت می شود ، هر کس در هندوستان طالب باشد در کلکته بداره جبل المتین - و در ایران و سایر ممالک خارجه به (طهران - خیابان لاله زار - اداره بومیه جبل المتین رجوع نماید . قیمت سالانه در ایران سوای طهران چهل و پنج قران و در ممالک خارجه عموماً سی فرانک است

اعلان

جلد دوم ابراهیم بیک که افراد ملت را بهتر

(۱) در وقت نوشتن مقاله محرر از خصوصیات خود بحث نماید . مثلاً : چون فوائد جراید را مطلع از آن بار باب جراید اخلاص دارم . و یا چون بنده معارف را دوست میدارم معارف پرورتر از مخلصم الخ

(۲) الفاظ غریبه و عبارات کهنه را بالکلیه از خاطر فراموش نماید . مثلاً : با کمال قدرت بردفع فوق القصوی مهمل المشاعر . . . الخ - شماره (۹۰) صفحه ۶ سطر ۵ جبل المتین . اکثر ایرانیان که همچون بنده عوامند از این طمطراق الفاظ چه درک نماند . چون جراید مخصوص عوامند نه خاص الخاس . یا عبارات ساده و جمله های مختصر باید ما را بیا گهاند تا مفت بر ما نهند . نه اینکه تشویش ذهنان نمایند .

هر قدر پولتیک بوسیده ما مذموم است این الفاظ و عبارات کهنه ما هم آشدر مردود و بیفایده .

(۳) در هر سطر شعریه مناسب نیست و علی الخصوص در مقاله های سیاسی از محرر مقاله مذکور که ضواتش لایحه يك از فضالی بنام است با کمال ادب معذرت خواسته میگویم . ای عجب وطن و فاضل شهید ما محررین باید از همه کس بیشتر عالم با عمل باشیم نادیکران از ما سرمشق گیرند . جناب شما در خصوص برس صلح شعر را با سیاسی ضد اکبر میخوانید . ولی در مقاله خود جنابعالی که مقاله سیاسی است در هر سطر يك شعری مثال آوردن موافق شیمه ارباب اصاف نیست . اگر برس صلح ما را خندد سزاوار نیستیم ؟

(۴) از تکرر عبارات حذر نمایند . مثلاً : این چاکر اساء وطن باو فور مشاغل و مواع و کثرت عوایق و گرفتاری چندین قسم جراید فارسی را . . . الخ - مقاله (روایای صادقه) شماره (۶) صفحه ۱۱ - اولاً از کثرت مشاغل عالی باجه . دوم این قدر شاخ و برگ یعنی چه ؟

(۵) هر کس مقاله و یا مکتوب می نویسد مهم نه نویسد ، یعنی دیده میشود در مکتوب خود محرر می مذمق است که نموده و ختی است که داده ، ولی تا باسم می نگری می بینی بجای اسم نقطه گذاشته . مکتوب (حکومت بنادر خلیج فارس) شماره (۱۰) صفحه ۸ . آقای من نهفتن حق تا کی . آخر مکر ما

تازیانه غیرت در حب وطن است با کاغذی بسیار اعلی و طبعی خیلی خوب در سجد و بست و پنج صفحه بقطع اولیه جلد اول کتاب موصوف برایی فروش در اداره موجود است ، این کتاب گویا لازم معرفی نداشته باشد ، همین قدر کافی است که بگویم این جلد از جلد اول نافع تر و دلچسب تر است ، هرکس جلد اول او را ملاحظه نموده از مذاق مؤلف و سیاق کلام و خیالات عالی آن بخوبی واقف است ، که در زبان فارسی کتابی با این سبک سیاق نوشته نشده ، قیمت چهار روپیه ، اجرت بست بر ذمه خریدار است

(میکادو نامه)

میکادو نامه منظومه است در جنگ روس و ژاپون که بوضع شاهنامه نکاشته شده ، و دارای ۸۸ عکس های حقیقی میدان جنگ میباشد با کمال امتیاز بطبع رسیده هرکس خواستگار باشد با اداره حبل المتین کلکتہ رجوع نماید قیمت در هندوستان سه روپیه ، ایران یک تومان اجرت بست به ذمه خریدار است

عرض و خطاب به حجج اسلام

و پیشوایان مسلمانان

(اثر خامه یک از جگر سوخته گان)

ای حجج الاسلام ! احوال امروزه ایرانیان را اگر بنظر دقت ملاحظه نمایم خواهیم دید ماتی از ما ایرانیان دلیل تر در دنیا متصور نمیشود . علت این چیست ؟ آیا ایرانیان را این ذلت از روز اول قسمت شده ؟ ای حجج اسلام بیاد آرید آن سعادت های ایرانیان را در زمان حکمداران پیش از اسلامیت ، و فراموش نه نمائید آن حاکمیت ایشانرا بر سایر ملل در زمان جهالت . آیا حقیقت اسلامیت است که ایرانیانرا ذلیل نمود ؟ آیا اسلامیت است ایرانیان را بی حمت و بی غیرت نمود ؟ آیا اسلامیت است که مانع سعادت ایرانیان گشته ؟ آیا باوجود اسلامیت در ایرانیان سعادت و حیات تصور نخواهد شد ؟ پس در اینجا چه باید کرد ؟ و کدام دین را اختیار نمود ، که همچون سایر ملل مسعود و مرفه زیستن ممکن گردد ؟

ای آنانکه خود را حجت الاسلام والمسلمین میگویند ، ای آنانکه ما شما را واجب الطاعه میشاریم ، با آواز بلند

از شما استغنا میکنیم ، اگر اسلامیت مانع ترقی و باعث ذلت و ذلالت است ما را مدری دیگر رهنمان نمائید که حق با او باشد ، حاشا وکلا کند باد فکری که اگر از این خیالات از فضای خود بچولان آرد ، آیا اسلامیت نیست که هرهای سوسمار خوار را مدنی ترین عالم نمود ؟ آیا اسلامیت نیست قومی جاهل و کند فهم ذلیل را عالم و عاقل و مکرمتربین عالم بشمار آورد ؟ آیا این همه سعادات که اروپیان از رشک وی هجوم اصل صلیب نمودند در زمان اسلامیت نبود ؟ آیدر زمان اسلامیت نبود شاه عباس حاکم در زمانش در ایران یک سالی منصور نمیکشت ؟ در زمان اسلامیت نبود که عمالک ایران صد و چهل کرور نفوس را دارا بود ؟ آیا در زمان اسلامیت نبود که انگلیزان بشاه طهماسب آنهمه چالوسی مینمودند ؟ آیا در زمان اسلامیت نبود که جهانگیر عالم مثل نابلیون اعظم کسی یاری و حمایت ایرانیانرا مبطلیلید ؟ آیا در زمان اسلامیت نبود که ایرانیان از خارج حبه واحده نگرفت و متاع خارجیانرا نجس میدانستند ؟ آیا در زمان اسلامیت نبود که ایران هم حاجت خود را از داخله خود ندارد میکرد ؟ آیا در زمان اسلامیت نبود که نادرشاه با جنیدی محدود رهنمایان را چون بید لرزان و هراسان مینمود ؟ آیا در زمان اسلامیت نبود که ایرانیان هنرترین مردم و مکرمتربین ابناء بشر بشمار میدآمدند ؟ پس مادام که در اسلامیت هیچ مانع و حطائی نیست ، چه شده در این صد سال بر ایرانیان - آنچه در آنها پیدا نمیشود حمت و غیرت است - آنچه در آنها پیدا نمیشود عصیت و عبت اسلامیت و ملیت ، آنچه در آنها پیدا نمیشود عزت نفس و قار و حریت است . آنچه در آنها پیدا میشود هتاق است و شقاق ، ذلت است و نکبت .

ای بزرگان دین ، از چیست که در این یکسال خونهای مسلمانان چون سیل در جریان است ؟ از چیست که سرهای مسلمانان چون کوی غلطان است ؟ این همه مرض و ناموس مسلمانان که در این یکسال و در آن صد سال بباد فنا رفته سبب کیست ؟ ای بزرگان ما ، ناموس ما ناموس شما است ، تا کی بی ناموسی ، ای بزرگان دین تا کی مسامحه و غفلت ، تا کی مذلت و نکبت ، مگر ما برادران شما نیستیم ؟ مگر بعد از ما نوبت

بشا نغاید؟ این سلب و عداوت، قادر خونخوار کیست که برادر و دشمنان عالم بود؟ این دشمن انسانیت را در میان مسلمانان بر آرد؟ در عهد پس چرا؟ مکرر دانستن حال مسلمانان در دنیا و رخص نیست، اگر میدانید چرا ما را در دنیا و همکاران مسلمانان در راه دین و مسلمانان را در دنیا مکرر حمله ما عزیز نیست؟ مکرر در راه سلامت فقط از روی ما ازل شده؟ مگر شما نیز در دنیا مکرر پیغمبر (ص) و علی (ع) یا نیز مسلمانان ما جهاد میکنند؟ دندانهای محمد (ص) را در کجا شکستند مگر در میدان حرم نبوت؟ جگر حرمه را در کجا شکستند؟ حسین ابن علی (ع) را در کجا کشتند، دستهای عباس (ع) را در کجا بریدند؟ مگر در میدان دین نبود؟ مگر بود حسین را کشت، مگر خلیفه مسلمانان بود، که بود عباس عیبرا زار و خوار شهید نمود، مگر مسلمانان همین روزه نبودند؟ مگر جانها و زرگواران از ایشان عزیزتر است، مگر خونشان سرختر! آقایان ما، دبروز بود که در پیش چشم شما صد نفر راداران دینی و وطنی ما را در کربلا با آن همه ذلت و محنت که گوسفند را میکشند کشتند، اگر آنوقت شما زرگواران صدا بصداداده حرکتی غیورانه نموده و همه از خاک عثمانی چشم پوشیده بمالک خود آمده و بشم دین از آمر قاتلان تأدیب بزرگان و سرکردگان شایسته را میخواستید امروز قصه جگر سوز ارومی بوقوع نمی آمد. اگر شما پیش از پنج ماه مرد ملعون و مردود را که از وطن طردش نموده بودید در وقت دخولش با صداهای مهیب خود میگفتید: ای خاندان وطن وجود شاهم در این خاک پاک زیاد است. و دخول آن مرد بیدین و بی ایمان را بر اینجا فرقی با خروج جانان از بدن مان ندارد، خان وطن مطرود وطن را هرگز نمی آورد و سیلاب خونین جاری نمیکشت، میدانید

آقایان ما اگر صدا بصداداده بقاتل المسامین میدانید که کیست؟ بگوئید این قدر دیگر بس نیست، از مسلمانان چه میخواهی، خداوند این مسلمانان را بتو فروخته است؟ دست نخواهد کشید و حساب نخواهد برد؟ آقایان چهار صد سال است که احترام

شمارا واجب شمرده اطاعت شمارا لازم دانسته کدیمین خود را بشم دین بشما فرستاده ایم، پس از برای کدام روز بود؟ در کدام روز یاری مان خواهید نمود، کدام روز صدا بصدای ما داده و ما را بمرطاب مستقیم هدایت خواهد فرمود؟ فقط با دستها و غسل و تمیم و شستمان، دهاید - آن کافران - بک نین در مشرف هلا است، بعد از این تمیم و غسل بچه کر آید؟ سلامیت در خطر است - نماز را که خواهد گذارد؟ دست را که بر ما گرفته و دست بحق ما نهاده مشغول فشردن است، بعد از مردن رساله های شما آقایان بدرده خواهد رسید؟ آقا ما ذلیل شدیم، اسیر شدیم، مدبوح شدیم، عرض ما از دست رفت، ناموس ما هدر شد، یک جبهه غیرا محجس فرستادیم از ایشان یاری ندیدیم آیا ما را یاری خواهید نمود؟ پس کی؟ بعد از مردن شاهد دارد خواهید آورد، دیر خواهید ماند، بخدای ذوالجلال که پیغمبر خود را بحقیقت فرستاده اسلامیت از شما یاری میخواهد نه تلگراف و های هوی. بظلم بگوئید تا دست از گریبان ما برکشد. بخان وطن بگوئید وطن ما را بدیگران نه بخشد. مگر وطن و مالکت ما مال بدرشان میباشد که ببنای پیشکش میکنند و روس هدیه میبرند و به انگلیز تحفه، اینک مذاقته روس و انگلیز بختام رسید، خان وطن مشغول عیش و نوش است و قتل ما را با چشم مسرت می نگرد. ای حجج اسلام چنانکه دیده و می بینید هر روز خون ماست که در جریان است. ما حاضریم که نفس خود را فدای اسلامیت نمایم، شما چه طور؟ اگر شما هم از ما بسم الله، و الا ما را بگوئید بروید بی کار، ما شما را رد نمودهیم چاره خود را از در دیگر بجوئید. ای بزرگواران دین، ما یا لیتنی را گویایم با نانکه در کربلا شهید شدند، والاف هم میگوئیم بمقتولین کربلای دوم و مدبوحین ارومیه و حوی و تبریز و اسیران و ذلیلان شیراز خراسان آخ اگر ما را یاری میکنید بسم الله، اسلامیت منتظر خدمات شما است، این رواست که مسلمانان را بعد از قتل با آتش سوزانند؟ پستانهای زنانشان را بریده و شکمهای پرده نشینان شان را دریده اطفالشان را کباب نمایند

ای تقو بر ما ایرانیان ای امت بر همچنین مسلمانان .
ای پیشوایان دین خائن وطن را تادیب نماید
و وطن را از کشتن برهاید ، و کره الهی را
و بیوه زنان حال را دگرگون خواهد نمود .

ای مدیر حریده حال عمره ۲۰ در راه را اگر
نخوانده باشید بخواید و اگر این کاعه باشد باید
بر شما آن را خواهم خدمت که در این راه
خواستگار امت خدایم بر حق و طر (ج -)

کنفرانس صالح لاه و

(دولت علیه ایران)

کارهای کنفرانس صالح عمومی لاه خلی اطول
انجامیده است ، و حایبه که زیاده ارسه مادت کنفرانس
افتتاح شده ، با نهایت زحمت مذاکرات را از پیش
میرند ، بقراریکه یکجا بدل معلوم می شد می بایست حالا
کارهای کنفرانس تمام شده باشد ، ولی روز بروز کار
زیادتر میشود ، تکالیف جدیدی از هر طرف میریزد ،
ولی از قراریکه معلوم میشود خیل شیخ منید از این
کنفرانس در آئیه حاصل خواهد شد

عجالتاً چیزیکه خیلی اسباب تأخیر شده است مسئله
حکمت مجبوری است ، دولت انگلیس و آمریکا و
فراسه و برتقال تکالیف جدیدی کرده اند ، یعنی می خواهند
در بعضی مسائل رجوع مناسرات به حکمت فیما بین
دول مجبوری بشود ، نماینده دولت ایران هم با این
دول همراهی است ، بجهت اینکه حکمت برای دولت علیه
منافع حتمی دارد ، ولی دولت آلمان هر روز بشکلی
اشکالات پیش می آورد و نمی خواهد شرکت در این
مسئله بکند ، یکی هم مسئله بنای محکمه عالیة دایمی
حکمت بین الدول و محکمه عالیة اقام جنگ بین الدول
است ، که تفصیل آنها در شماره های قبل مشروفاً بنظر
مطالعه کنندگان محترم نامه مقدمه رسیده است ، این دو
مسئله را دولت آلمان و انگلیس و آمریکا طالب
اند ، ولی دول دیگر بهمان ملاحظاتیکه ذار شده است ،
در مسئله تقسیم فضاات محکمه دایمی حکمت بین الدول
اشکالات پیش می آورند و حق هم دارد ، چرا که
تکلیف دولت آلمان و انگلیس و آمریکا را راجع
بتأسیس محکمه عالیة دائمی حکمت بین الدول ضمن
نفره های قبل نوشته ایم ، جلیلی غل استقلال

سول دیگر است و مطالعه کنندگان محترم ملاحظه کرده
اند که بجه ترتیب صحیح حزب ممتاز السلطه باین تکلیف
دولت معظمه پروتست کرده و در عین صحنه نطق
خود چنین گفته است (دولت علیه هم آراء می تواند
این تقسیم ونوبت فضاات بطور غیر سوه در این محکمه
داخل شود)

اسو یکه سابق هم نوشته ایم ، حساب نشد سلفه
و سایر مأمورین خارجه که ایش هم سلفه مانع
در شرفت این مقصود دول معصمه در در رس
خواهند شد ، اگر چه هنوز نلی مقصود معضدین
این شکل نا مشروع حاصل شده است ولی این مسئله
اینکه کم کم دارد روی خاک می ماند و دیگر بیجا
مفسود و پروتست جناب مختار سلفه نتیجه لارمه ، ا
راجع بدوات علیه خواهد داد ، باین معنی مساوات
کلی در این مسئله فیما بین دول محتایه مرس جو هدشده ،
و یا اینکه این تکلیف دول آلمان و انگلیس و آمریکا
را به تدایر و اقدامات لازمه کنفرانس بالاخره نکلی
متروک خواهند گذاشت ، و در هر دو صورت اگر
مقصود خود را ممتاز السلطه حاصل نمود خدمت بزرگی
است بدوات علیه شده و آرزوی دول معصمه بی نتیجه
خواهد ماند ، و این خود کار خوبی هم و دلیل
استعداد نماینده اول ایران است ، سلفه که سحت در
این فقره کنفرانس مشغول زد و خورد سیاسی است
در مسئله حکمت مجبوری هم بی اندازه اشکالات
پیش می آورند ، باین معنی دولت آلمان خصوصاً و چند
دولت دیگر در قبول آنها مضایقه دارند و می گویند
که منافع عالیة دول مقتضی آن نیست که عهدنامه
حکمت مجبوری مابین عموم دول یک حا نوشته و
امضا بشود (معلوم است مقصود از منافع دول منافع
بالتیک میشوم آنها است) و باید عجلتاً خود دول را
گذاشت که جداگانه میان خود شان دو یا چند دول
جمع شده در مسائل راجع بخود شان حکمت مجبوری
را قبول نمایند ، تا کم کم این خیال قوت بهم رساند ، و
بتواند جزو مهادمه عمومی دول بشود ، از طرف
دیگر بعضی از دول مثل انگلیس و فراسه وغیره در
انجام این مسئله سی کامل دارند ، چون بشرفت این
مقصود دولت علیه را در هر صورت فواید بی اندازه

دارد، لهذا جناب ممتاز السلطنه هم مکرر در مساعدت آن نطق کرده و تکالیف لازمه را نموده است. نطق مفصل ایشان را که در این باب محل تمجید و تعجیب عموم کنفرانس شده بود نامه مقدسه درج اوراق خود کرده است. این روزها باز خصوصاً لایحه در این باب بداره مخصوص حکمیت مجبوری ابلاغ کرد، خطاب رئیس مجلس باین مضمون

(آقا... رئیس با کمال افتخار در مجلس هشتم کبسون جزو اول کبسون اول در پست هشتم ماه (زویه) گذشته عقاید و محاسنات دولت متبوعه خودم را در باب اساس مسئله حکمیت مجبوری اظهار کرده ام، موافق همان خیالات و محوسات مساعد تکالیفی را که در آن باب سفارت فوق العاده برنقال و انگلیس بمجلس داده اند ملاحظه کردیم، و با کمال خوشوقتی زحمت میدهم، که حاضریم رأی مساعد در قبول آنها بدهیم، و امیدواریم که تکالیف دیگر هم برای تکمیل تکالیف مزبوره بکنفرانس داده خواهد شد، و بنای اساس حکمیت مجبوری را محکمتر هم خواهند کرد تکالیف جدید را هم با همان وقت لازمه ملاحظه کرده و با کمال ملت سفارش قبولی آنها را بدولت امپراطوری ایران خواهم نمود) این اظهار جناب ممتاز السلطنه که عیناً در صورت مجلس کنفرانس ثبت شده بسیار اثر خوب کرده و این قسم مساعدت مامور دولت علیه را در همچون مسئله مطلوبه اهل مجلس بچشم نیک دیده و تبریک می کنند، کلیتاً در مسئله حکمیت مجبوری نطق های عدیده و اقدامات و مساعی جناب ممتاز السلطنه در کنفرانس و خصوصاً در عالم مطبوعات خیلی اثر خوب می بخشد، بطوریکه در جزو تلگرافهای خود روزنامه (اندیانداس باز) از قول مخبر خود این طور می نویسد (بقراریکه سابق هم نوشته ایم یکی از حامیان بسیار مجاهد اساس حکمیت مجبوری ممتاز السلطنه نماینده ایران است و از این حیث خود در مجلس روزشبه باز دلایل جدید داد) از طرف دیگر سفیر فوق العاده فرانسه همین روزها شرحی باین مضمون بجناب ممتاز السلطنه نوشته و خبر داده است که (نظر بخدمتان که بهایم صالح و صفا فیما بین الدول میکنید بر حسب خواهش و تکلیف

من اداره مخصوص اصلاح روابط بین المللی که در پاریس مشکل است شما را اعضای محترم اداره خود نموده است، با کمال افتخار این مزده را بجناب عالی داده و لحوش وقت از آنم که بعد از ختم کنفرانس هم مراودات دوستانه مداومت پیدا کرده و این عضویت شما در این انجمن عالی اسباب آن خواهد شد که باهم در تزیید دوستی و معرفی دو ملک خودمان بیکدیگر که از نکات بسیار مفید است مآ کار خواهم کرد) مقصود از این تفصیل این است که خوانندگان محترم مسبوق بشوند که تا چه درجه سفارت فوق العاده دولت علیه در کنفرانس محل احترام و توجه و محبوب القلوب عمومی است، همین امروز معدودی از مأمورین دول برای مشاوره در مجلس خصوصی مدهواً جمع شده بودند که قرار ومدار کنفرانس آینده را بدهند، یکی هم از ده یازده نفر از سفرای دول بزرگ که در آن مجلس بوده ممتاز السلطنه بود، همه مقصود این قرار و مدار این است که کاری بکنند که من بعد کنفرانس صالح اولاً درازمه مبینه تقریباً هفت و هشت سال در لاهی مشکل شود، ثانیاً کنفرانس آینده را بی طرف نمایند، باین معنی دیگر لازم نشود که امپراطور روس و یا امپراطور و پادشاه دیگر مؤسس آن ها بشوند، بلکه تمام دول علی السویه بطریق مخصوص لازمه من بعد کنفرانس را تأسیس داده و احتیاج بکسی نداشته باشند، تا در کنفرانس هم باین جهت مسئله مساوات بهتر مرعی شود و همین طور هم کرده شد

چنانچه سابق نوشته ایم جز از مأمورین بسیار محترم دول خارجه بجناب ممتاز السلطنه هم سمت نیابت ریاست مجلس داده شده است، و از طرف دیگر یکی از مأمورین عالم و بصیر خارجه که اعضای اداره امتحانات و انشاء قوانین جدید بین الدول شده اند یکی هم نماینده اول دولت ایران است، و جناب ممتاز السلطنه در دو اداره امتحانات عضویت بر حسب انتخاب کنفرانس داشت، و حالا که قوانین ترتیبی این ادارات تمام شده اند و بامضای ممتاز السلطنه و چند نفر یک از همقطاران دیگرشان از مأمورین فرانسه و آلمان و انگلیس و روس و غیره بکنفرانس تقدیم شده جزء قواعد بین الدول گردیده اند صورت آنها بداره نامه مقدسه رسیده

است و در جزو نمرهای آنیه به ترجمه و نشر آنها
طوایم پرداخت، بعضی از آنها خیلی مفید حال ایران
است

در مجلس سیزدهم ماه (اوت) فرنگی باره تکالیف
دولت روس و دول دیگر را در باب تغییرات لازمه
در قرارنامه حالیه راجع باصلاح منازعات دول بطریق
صلح و حکمت در کنفرانس مطرح مذاکره کردند،
اغلب تکالیف مزبوره چون مقرون بقاعده بودند
قبول شدند، ولی تکالیف مسبو (دومارطنس) که معلوم
مشهور حقوق بین الدول و نماینده دوم روس است
مبنی بر اینکه فصل پنجاه و پنجم قرارنامه مزبوره باید
بکلی موقوف بشود دوجار اشکالات گردید، مندرجات
این فصل اجمالاً مبنی بر این است، (اگر مطالب رجوع
بمحکمت شد فتوای حکمت را در صورتیکه بر حسب
نکات و شواهد و یا مطالب جدیده مقتضی شد می توان
دو باره در محاس حکمت مطرح مذاکره و تحقیقات
کرد، و فتوای مجدد لازم)

مسبو (دومارطنس) می خواست که این فصل
موقوف بشود، ولی چون موقوفی آن برخلاف قواعد
قانونی است و یک وقتی می تواند اسباب زحمت دولت
علیه بشود و دول دیگر بروز موقوفی این فصل
نگذارند که احقاق حق مجدد بعمل آید، لهذا
جناب ممتازالسلطنه نماینده اول ایران در ضمن
نطقی این طور گفت: - فصل پنجاه پنجم لایحه
(تلفوف) باید باقی بماند اینک حق تحقیقات مجدد
را در صورت لزوم نباید از حکمت سلب نمود،
چرا باید در حکمت بین الدول در همچون موقی
همان قواعد فتوای محاکات عدلیه را بگری نداشت؟
معلوم است که این امر زیاد روی نخواهد داد، ولی
وقتی می تواند سهوی در امر حکمت واقع شده باشد
و در این صورت فقط تحقیقات ثانوی می تواند رفع
اشتباه نموده و ابقای عدالت را بگری نمایند،

این ایراد جناب ممتازالسلطنه چون از روی
قاعده بود قبول عمومی شد و سفرای بلژیک و
برزیل و رومانی و سفیر کبیر آلمان پشت سر جناب
معزی الیه همین مطلب را بهمان ترتیب عنوان کردند،
و مقصود ممتازالسلطنه حاصل گردید

در شمارهای قبل خاطر شریف مطالعه کنندگان
محترم نامه مقدسه از تکالیف دولتین آلمان و انگلیس
در تأسیس محکمه حکمت بین الدولی از برای عحاکه
مسائل راجعه باموال و اشیاء توقیف شده ایام جنگ
مسبق شده است، این محکمه که تأسیس میشود و اینک
عقرب معاهده نامه آن در کنفرانس با مضای مأمورین
عمومی دول خواهد رسید، یکی از خدمات بزرگ این
کنفرانس بعالم اسانیت است، بعلمت اینکه همیشه در ایام
جنگ ناشتی و اموال دولتین متنازعین و یا آتی راجع
برطایب آنهاست و یا اینکه آنچه در این بین از اموال
و اشیاء دول و تجار و رعایای طرف بگیر قشون
یکدیگر میرسید، ترتیب این کار تا حال خیلی بنقائده بود
و احقاق حق در آن باب امکان نداشت، و کسی
نمی توانست درست ثابت نماید که آیا توقیفی آنها از
روی قواعد جنگ و یا بموجب قوانین بین الدول از
روی قاعده است یا خیر، و باید پس داد و از عهده
خسارت مظلومین برآمد یانه، فقط دول متمدنه کاریکه
می کردند این بود که بمحض شروع به جنگ هر یکی در
ملکت خود محکمه از برای این قبیل مسائل تشکیل
میدادند، و باین قسم مطالب در آنجا تحقیقات و
رسیدگی می کردند، ببارت آخری هر یک از دولتین
متنازعین در این صورت حکم اعمال خود و رفتار
و کردار قشون خود بود، و فتوای این محکمه بدون
چاره و عذر بموقع اجری گذاشته می شد، و اگر هم
ضبط اموال طرف مقابل و یا رعایای او یا دول و
تجار بی طرف مال دیگر از روی قاعده هم شده بود
دیگر کسی حق برونست نداشت، و معلوم است که در
این صورت صاحب محکمه می توانست اعمال و کردار
سرکردگان و صاحبمنصبان خود را بمیل خود عحاکه
نماید و حق را بطرف کارگذاران خود بدهد، و باین
ترتیب جان و مال مردم بهر معرفت و شکایت و یا
داد خواهی آنها در راه عدل و انصاف بگری نمیرسید،
تأسیس این محکمه بین الدول برای رفع این همه ظلم
و جلوگیری تهدیات و استحکام عدالت است، بموجب
این قرارنامه جدیده اگر کسی در موقع جنگ اعم
از دول و یا رعایای ایشان حکم محکمه یکی از دولتین
متنازعین را در حق خود از روی غرض دانسته و

راضی بر فتوی آن نشود می تواند فوراً به محکمه عالیته بین المللی جدید عرض حال داده و رفع حمله و توهین را از آن عرالت خواه عالیته که از هر جهت در صورت مساوات نباید، بهیارت اخیری علیه عدل و انصاف و برتری برتری بی صلاح و عدل و انصاف و عدالت درجه اول امروز ترقی کرده که اینست در آن معصمه می گویند که معصمه است و اعمال صحت منصفان و عاقلان خود حتی درون خود نیز بدست خودشان معصمه و رسیدن به محکمه عالیته بین المللی رجوع کرده و حری فتوای آنرا بموجب معاهده نامه مخصوصه برعهده بگیرند، و این نکته است بسیار باریک و مسیه است مبنی بر ترقیات تمدن و روح احترام دولت نسبت بر عهد عمومی

تکلیف دولت انگلیس بموجب فصل چهارم لایحه آن میسر بود، که این محکمه بین المللی فقط مرکب از مورین مالی باشد نه قوه بحری تجارانی آن در موفقیه مساوی قرار نامه آن اولاً نامدزه هشتصد هزار تومان باشد، در این صورت اکثر دولت از شرکت در این محکمه شروه بودند، چر که میر از دولت آلمان و آمریکا شمالی و فرانسه و انگلیس و ایتالیا و ژاپن و هند و پورتوگال هیچ يك در این دیگر نامدزه معصومه بود و حربه ندارد

تفصیل در صورت و بعضی حساب ممتاز السطیه در شماره ۱۹۸ این شماره و کتبیم که در مقاله مساوات بین المللی در شماره ۱۹۷ در شماره ۱۹۸ در شماره ۱۹۹ در شماره ۲۰۰ در شماره ۲۰۱ در شماره ۲۰۲ در شماره ۲۰۳ در شماره ۲۰۴ در شماره ۲۰۵ در شماره ۲۰۶ در شماره ۲۰۷ در شماره ۲۰۸ در شماره ۲۰۹ در شماره ۲۱۰ در شماره ۲۱۱ در شماره ۲۱۲ در شماره ۲۱۳ در شماره ۲۱۴ در شماره ۲۱۵ در شماره ۲۱۶ در شماره ۲۱۷ در شماره ۲۱۸ در شماره ۲۱۹ در شماره ۲۲۰ در شماره ۲۲۱ در شماره ۲۲۲ در شماره ۲۲۳ در شماره ۲۲۴ در شماره ۲۲۵ در شماره ۲۲۶ در شماره ۲۲۷ در شماره ۲۲۸ در شماره ۲۲۹ در شماره ۲۳۰ در شماره ۲۳۱ در شماره ۲۳۲ در شماره ۲۳۳ در شماره ۲۳۴ در شماره ۲۳۵ در شماره ۲۳۶ در شماره ۲۳۷ در شماره ۲۳۸ در شماره ۲۳۹ در شماره ۲۴۰ در شماره ۲۴۱ در شماره ۲۴۲ در شماره ۲۴۳ در شماره ۲۴۴ در شماره ۲۴۵ در شماره ۲۴۶ در شماره ۲۴۷ در شماره ۲۴۸ در شماره ۲۴۹ در شماره ۲۵۰ در شماره ۲۵۱ در شماره ۲۵۲ در شماره ۲۵۳ در شماره ۲۵۴ در شماره ۲۵۵ در شماره ۲۵۶ در شماره ۲۵۷ در شماره ۲۵۸ در شماره ۲۵۹ در شماره ۲۶۰ در شماره ۲۶۱ در شماره ۲۶۲ در شماره ۲۶۳ در شماره ۲۶۴ در شماره ۲۶۵ در شماره ۲۶۶ در شماره ۲۶۷ در شماره ۲۶۸ در شماره ۲۶۹ در شماره ۲۷۰ در شماره ۲۷۱ در شماره ۲۷۲ در شماره ۲۷۳ در شماره ۲۷۴ در شماره ۲۷۵ در شماره ۲۷۶ در شماره ۲۷۷ در شماره ۲۷۸ در شماره ۲۷۹ در شماره ۲۸۰ در شماره ۲۸۱ در شماره ۲۸۲ در شماره ۲۸۳ در شماره ۲۸۴ در شماره ۲۸۵ در شماره ۲۸۶ در شماره ۲۸۷ در شماره ۲۸۸ در شماره ۲۸۹ در شماره ۲۹۰ در شماره ۲۹۱ در شماره ۲۹۲ در شماره ۲۹۳ در شماره ۲۹۴ در شماره ۲۹۵ در شماره ۲۹۶ در شماره ۲۹۷ در شماره ۲۹۸ در شماره ۲۹۹ در شماره ۳۰۰

امنباری است که دول معظمه نظامی بسایرین بمیل و رعایت خود را می دهند، و لهذا باید سعی در پیشرفت این امر کرد (دولت آنگلیس با مورین شش سال است) و هدایت امور در این محکمه از میان مأمور دیگر این امر را بر عهده می برد، در این محکمه بنیوان حاضر بشود تا در صورت لزوم در میان سایر دول از روی اندازه و درجه تجاری و تجارانی هر يك از آن دول است

معلوم است بعد از این بریت که پیش آمد مشکل دو تا شد، اولت اینکه مدتی به دولت عالیته هنوز قوه حری معصومه ندارد، و قوه بحری و تجارانی ممالک شروسه بالنسبه بسایر دول از جمله آلمانی کمتر است، این است که حزب ممتاز السطیه بعد از باره اقدامات در لندن از اولاً دو هدیه اولی بوزارت داخله امور حربه تکلیف کرده و استدعا نمود که در باب قوه بحری و تجارانی ایران اطلاعات فوری را با تکلیف بدهند، ولی چون جواب برسد عبوراً در همان محل مأموریت خودشان باره تهدیدات را عمل آورده، ولی معلوم است که میر از دوسه فرود کشتی دولت عالیته چیزی بدرد و کشتی هاییکه در خلیج فارس حرکت می کنند مان حربه است، و بدینجهت احتمال در ایران کسی که در ترقی کشتی رانی نیده است، تا وجود حزب ممتاز السطیه بموجب ادله و پراهن حقیقی در بر سر دولت عالیته تحصیل کرده است بیشتر از دولتی است که اندازه قوه بحری و تجارانی آنها از در ملی زیادتر از قوه بحری ایران است، این عریه حقی دارد يك مأمور و يك نایب مأمور در این محکمه داشته باشد

مأمورین ایران بموجب همه کنفرانس که حقوق سایر دول را هم بگان بگان می نویسد این آن اداره نامه میده رسیده است، دو سال از شش سال را حق حضور در این محکمه خواهند داشت، بعد از تحصیل این حق شخص احتیاط و فرط میل در خدمت وطن حزب ممتاز السطیه تمامی اسنادی را که در این مسئله در کنفرانس ما بین مأمورین رد و بدل شده به (مسیونوز) فرستاده و شرحی باو نوشته و خواهش کرد که او اگر اندازه قوه بحری و تجارت

بحری ایران را از روی اطلاعات اخیر خود معین نماید ، نائیباً اگر بمقیده او بیشتر از این حق هم برای ایران میشود گرفت دلایل آن را زود تر بنویسد که در کنفرانس تا عمل نگذشته تجدید مذاکره نماید ، چنانکه در نمره های قبل نوشته ایم صورت راپورت تجارتی سفارت بلژیک مقیم طهران را هم نماینده ایران از وزارت خارجه بلژیک تحصیل کرده است و تکلیف در واقع از روی آن معلوم شده بود و میدانست که چه خدمت بزرگی کرده است ، ولی محض احتیاط خواست این تحقیقات را از مسیونوز هم کرده باشد مسیونوز بعد از نوشتن تفصیل کلیه تجارت ایران جواباً می گوید: که قوه بحری دولت علیه ندارد مگر اینکه کشتی برس پولیس و مظفری را کشتی جنگی حساب بکنیم ، و قوه تجارتی بحری هم غیر از آنها در ایران نیست ، آخر کاغذ مسیونوز باین مضمون است:—
(پس در این صورت باید معترف شد حتی که سفارت فوق العاده ایران تحصیل کرده است با کمال وسعت موافق وضع و منافع ایران است ، و می توانم بگویم این نتیجه را که تحصیل کرده اید خدمت بزرگی است که سفارت فوق العاده و مخصوصاً خود جنابعالی نسبت بدولت علیه بعمل آورد ، اید)

این خدمت را که جناب ممتاز السلطنه کرده و این حق را که تحصیل نموده است بیشتر از حقوق دولتی است که کشتی های بحری و قوای تجارتی آنها از دو الی نجاه مقابل قوای بحری و تجارتی ایران است ، چرا که از روی همان نقشه کنفرانس ، اولاً قوه بحری دولت علیه که بموجب نوشته مسیونوز باید خیلی کمتر هم باشد هشت صد و نجاه و پنج تون قلمداد شده و هیچ دولتی در همان نقشه بالا دست ایران نیست که اقلاً چند مقابل بیشتر از ایران قوه بحری نداشته باشد ، و آنهایکه زیر دست ایران هستند یعنی فقط يك سال مأمور آنها حق حضور در محکمه خواهد داشت دول ذیلند:—

کلوم پیا که يك ملیون و هشتصد و چهل و دو هزار تون قوه بحری دارد
اورقای - چهل و چهار ملیون
ون زولا - پنج ملیون

پرو - سی ملیون

سیام - چهار ملیون و پانصد و چهل و هفت تون
کیوبا - که جزو دولتی است که فقط نایب مأمور خواهد داشت چهل ملیون و کسری قوه بحری دارد در صورت مجلس که با اداره روزنامه مقدسه رسیده است سفیر کبیر بر ذیل در ضمن نطق خود شرحی در تطبیق قوای بحری مال خاطر نشان کرده و این طور می گوید: « که چرا مأمور بر ذیل فقط دو سال حق حضور در این محکمه بین الدول میدهند و مال آنکه دولت بر ذیل سیصد و سی و هشت کشتی جنگی و چهارصد و نود و هفت کشتی بخاری دارد که دویست و هفده هزار و هفتصد و چهل تون اندازه آنها است ، با وجود این نطق مفصل و آنچه جان کنی معزی الیه نتیجه نداده و همان حق دو ساله باو داده شده ، با وجود اینکه با این عدم قوای بحری در ایران جناب ممتاز السلطنه برای دولت علیه حق داشتن يك مأمور و يك نایب مأمور را در این محکمه گرفته و با آنها حق حضور دو ساله در محکمه تحصیل کرده است ،

چند روز قبل که در کمیسیون در خصوص قبولی این عمل رأی می گرفتند نماینده ایران محض اینکه اولاً بر دولت علیه را بمنزله این مسئله نشان ندهد ، و نائیباً بملاحظه اینکه شاید از جواب به تلگراف ایشان از وزارت خارجه برسد ، در کمیسیون اظهار کرد که هنوز دستور العمل قبولی این مسئله من نرسیده است ، لهذا رأی آخری خود را در این باب درناتی در خود کنفرانس خواهم داد ، و محالاً همین قدر بگویم که شرکت این محکمه را بدولت متبوعه خودم توصیه کرده ام

وضع دولت عثمانی در این مسئله خیلی بد است و اوقات مأمورین آن از هر جهت تلخ است ، بعلم اینکه مأمور عثمانی در این محکمه با اندازه مأمور رومانی حق حضور داده شده در صورتیکه قوه بحری دولت عثمانی بموجب همان نقشه کنفرانس دویست و چهل و يك ملیون است ، و قوه بحری رومانی نود و هفت ملیون است ، یعنی از نصف قوه عثمانی هم کمتر است ، و هر چه مأمورین عثمانی نا حال شکایت کرده

اند بجا نرسیده و نخواهد هم رسید. (زور عنانی فقط در سر رعایای بی دست و پای ایران از پیش می رود). در کنفرانس با وجود مساهمیت عنانی این دفعه بر عکس کنفرانس سابق به مأمورین بلغارستان جای معین و مخصوص مثل دول مستقله دادند و برعکس کنفرانس اول اسامی بانها را بموجب ترتیب الف بای مقدم بمأمورین عنانی کردند و دول فرنگ عمداً پاره حقوق خارج از اندازه به بانها می دهند. و هرچه دولت عنانی پرواست کرده بجا نرسیده و نخواهد رسید باری در باب محکمه بین الدول توقیفیات جنگ محض مزید استحضار خاطر مطالعه کنندگان این دو نکته را هم می نویسم، که تأسیس این محکمه بین الدول توقیفیات ایام جنگ ربطی به محکمه عالیة بین الدول که می خواهند تشکیل بدهند و تفصیل آن در شماره های قبل مذکوراً نوشته شده ندارد. باین معنی این محکمه مخصوص پاره مسائل معینه راجع بایام جنگ است و خصوصیت بدول نظامی دارد، ولی محکمه عالیة بین الدول حکمیت راجع بتمامی مسائل قانون عموم دول علی السویه است، و لهذا تقسیم مدت حضور قضاة را در این محکمه حکمیت ابدأ نباید قبول کرد، تفصیل این مسئله اگر به نمرهای قبل رجوع شود معلوم خواهد شد، و باز همین دو سه روزه جناب ممتاز السلطنه نطقی در این باب کرده و در کنفرانس اعلان خواهد کرد. که میان این دو محکمه فرقی است بسیار و ابدأ هم دیگر مشابهت ندارند، و قبول نوبت قضات در محکمه توقیفیات ما را هم نمی تواند در آتیه در باب محکمه عالیة حکمیت تغییر مسلک بدهد، و عقیده دولت عالیة را در آن باب ذره ست نباید. چرا که در محکمه عالیة حکمیت حضور مأمورین تمام دول از بزرگ و کوچک باید علی السویه باشد، ترجمه عین این نطق را در تالی خواهم نگاشت نکته دوم هم این است که بعد از مباحثه زیاد تر او داده شد و در فصل شانزدهم قرارنامه کنفرانس زشته شده است، که اگر جنگ در موقعی شد که در محکمه عالیة توقیفیات نوبت حضور مأمور دولتی ~~که~~ رف محاکمه و در جنگ است نیست مأمور همچون زانی با وجود اینکه نوبت حضورش نیست در محکمه اضر میشود و مساوات کامل در این صورت بمثل

می آید. اگر تمام استاد و ادله و براین ابن تصفیه و خدمات ممتاز السلطنه در کنفرانس با اداره نرسیده بود. هرگز ماور نمی کردیم که با این وضع داخله و بی تربیتی امورات دولتی در ایران مأمورین اول ما در کنفرانس بانجام این نوع خدمات موفق میشود...

نگارنده محترمی مینویسد

(یا اکت مارون ماکان ابوک امره سوه و ما کانت امک بغیا)

عالم عالم وحشت و انقلاب و جهان جهان دهشت و اضطراب که در هرصه وسیع و حصه رفیقه جنوب ایران علی العموم و مرکز بوشهر و بنادر علی الخصوص بحدوث و وقوع رسیده و بظهور و بروز پیوسته بود وفاق سیاست آن سامانرا از اثرات شامت آیات طود تیره و تاریک ساخته و هلال بولتیک آن ساحت را از نتایج بر ملال خویش خیره و تاریک داشته بود. همه از پرتو فاق و شعاع شقایق بود که بر حسب تدریج و مرور دهور و شهور اضج و قوام و بقاء و دوام حاصل کرده، جناب نمرات مضرة کاسمه و نکبات ماطله فاسمه بار آورد که نزدیک شد رشته امور این ایالت وسیع از یکدیگر بگسلد، و سلسله انتظام و امنیت عمومی بکمرنبه پاره شود.

دانایان رموز سیاست و حزم و رسیدهگان قله بصیرت و فهم که در بسط نطق بولتیک و سیاست دیگران مطلع و خبیر و از تشبیه دانه امور ایران مستحضر و بصیر میباشند با دلی برخون و جشعی مانند حیچون و کیدی حراء و سری بر شور از پیش آمد کارهای این ناحیه خائف و هراسان و از کثرت اختلال و اغتشاش و عدم اعتدال و ارتعاشی که جریان وسیلان یافته بود بریشان و ترسان بودند، چو که کالشمس فی وسط السماء برایشان واضح و لایح بود که این اوضاع بر شر و شور لابد در آخر کار منجر به سختی و شدت بسیار و بدبختی و مضرت پیشمار خواهد شد. و شرف عظامی مایهت که معدن و مظهر غیرت و سرمایه بازار هر ملت است از سکان خلیج ایران مسلوب و اسم آنان در طومار خاشان و مجرمان وطن مندرج و محسوب خواهد شد، یا نصمت عظامی مشروطیت و منعت کبرای معدلت که اهالی سایر بلدانرا شامل گشته

از این جماعت مفقود و ابواب خیر و نجات و طرق فوز و قلاح بر روی آنان مسدود خواهد شد، زیرا هر چند در نزد سبکسران با فرض و ابلهان با مرض این نعمت و اقدر و طایفه نیست، اما در پیش خردمندان عاقل و دانشمندان قاضی رتبه و پایه اش از توانا بتریاست بلکه تا قاب قوسین او ادنی -

این بود که از هر گوشه و کنار ناله (وا اسفا علی الوطن) بلند و از هر کنج فریاد (علیکم بالانفاق) بگنبد دوار رسیده، حراید و بحالات و مکایب و مطبوعات (خاصه نامه مقدسه جبل المتین) به صدای بلند و نوای ارحمند به اصیحت و بند و مواعظ و نصایح اقدام و بلکه بخبر و تبشیر و اخطار و انداز قیام نمودند، یکی آنرا بعدم غیرت یاد مینمود، دیگری بقت حیت می ستود، نائی این مرض جان گداز بکثرت نفاق و عدم انفاق حمل می فرمود. رابی علت را بوجود نیاین و اختلافات شخصیه معال مبداشت، خامسی بعد دار از مقر خلافت و سلطنت را سبب این خرابی می فهمید، هرکس عاتی مخصوص و موجبی معین برای آن واقعه می تراشید، ولی حق واقع و بیان صدق آست که سراسر آن بحران و کلیه آن حرمان اولاً از آثار بی علمی و نافی و نالی از حدوت هتاق می بود، یا بصارت دیگر نخست قاطبه اهالی را آن پایه خرد و علم حاصل و آن اندازه فهم و ادراک دستیاب نگشته بود که فوائد لا تعد ولا تحصای مشروطیت را فهمیده و محسنات بی نهایت آنرا درک نمایند، و سپس بزرگان ایشان که تا اندازه از آفت فوائد و عواید با خبر و مستحضراتد بنهجه در تبه اغراض شخصیه حیران و بیوعی از جاده خیر و ترقی نوع روگردانند که حقوق و منافع هزاران نفوس را محض تفوق خود بر دیگران و حصول زبردستی موهومی بر آنان جایز شمرده، همه مساعی خود را در این راه مصروف و تمام افکار خویش را در آن جاده معطوف میدارند، و وقتی که آن دو بدبختی توأم شود باید هر گونه امید بقاء و دوام حیات ملت را متطوع داشته دست از حیات ایشان شست -

حکیمی در این خصوص تحقیقی اینقی فرموده گوید جدا بحال ملتی که زبردستانش یابند هوا و موس بوده

در لحظ مشتهیات خود کار کنند و زبردستانش از حلیه علم و عقل طاری و منافع و مضار خود را تمیز نداده در جاده بخردی و قبول کردن استبداد قدم زنند، همچو ملتی را گاهی عروج بسلم ترقی حاصل نیامده و نخواهد گشت سهل است، مرگ حقیقی و موت واقعی که اضمحلال شرف و ناموس باشد آنها را استقبال و پذیرائی خواهد نمود -

دانشمند دیگر سراید، هرگز نمیتوان از هیئت جامعه یک قوم توقع داشته باشیم که ارادش هر یک دارای چنان علم و اطلاعی شوند که مستلزم ترقی آنان باشد، بلکه منتهای چیزی که میتوان از آن ترصد داشت که بزرگانش که اسبقاً از موافق زمان با خبر هستند لوازم پیشرفت ترقی هم رنگان خود را مجتمع ساخته نگذارند اغتر میباشان در مغرب افول هبوط نماید - هیچ ملت را نمیتوان دارای لفظ و معنای (ملت حیه) دانست، مگر اینکه چندین گاه هلیه پر شور مقتدر خیر خواه عاقل در آن پیدا شوند، که اولاً از عهده حفظ عواید ملی خود بر آمده مانع شوند از اینکه شرف ملیت آنان را وداع گوید

فقیهی که در امور ملی ذوق سیم و ساینه مستقیم داشته میفرماید - بی شبهه اغترق و اغلاق بهترین قوانین و سنن شرع اسلام است، که بدون شبهه منبول و مطبوع حاضر هر ناقد بصیر میدشد، پس با وصف الحال چگونه ما داریم از ترقی پشت نموده و روزه بندی آورده ایم؟ خوب از سؤل مقرر که بزرگان ما آن درد ملت دوستی را که باید داشته باشند -

و هرکس در یک عصر مشق ز زبردستان را عکس - خود ساخته کبیف مایه - آن در زبردستان طاعت خود نگه داشته راه اصلاح آوردن بیان می نمود - همین مطلب بالتدریج مایه در طایفه از ترقی کشت - آنان را بمخاطرات و خیمه رو برو ملت -

فیلسوف بزرگی که خیالاتش زرقی و سه - اسلامیان خیلی بلند و ارجمند بود، میفرماید، این - عصبیه مسلمین و آن وسایل حقیقی ترقی و آفت اجتماع تمام مزایا در سنن عازله اسلامیة بجدی ره ترقی، اصاف کرده که اگر زیر دستان ما قدری هم خود را معطوف بترقی طایفه ملت نموده بودند -

امروزه اسلام منعب رسمی دنیا بود، ولی جایی هزار دریغ و اسف است که آنها نه تنها روی خود را از این فقره برگرداندند، بلکه بدبختانه کاری کردند که ذکرش خون انسان را در صروق منجمد میسازد.

عالی معتمد که کلاهش در اسرار مکنونه ملی خلیلی قابل و شایان هزاران گونه تمجید است چنین گوید: - تا بزرگان ما چنانکه وظایف حقه آنها مقتضی است عمل نمایند و زیر دستان را همواره علی الصیاء مطیع حرکات خود بخواهند بشک امید خیر و بهبودی در احوال ما نخواهد رفت، بلکه اگر حال بر این منوال بماند بدبختی و نکبت ما از دیاد خواهد یافت.

باری این مجبوحه نفاق و آشوب شقاق در وقتی بود که بایست طوایف مختلفه ابران بهیئت واحده دست اعتصام بچیل المئین یگانگی و اتحاد زده علاج حوادث جهان سوز و دواى کوارث آتش افروزیکه در افق سیاست ظاهر شده بود بوسیله اتحاد و داد فراهم کرده از صراط المستقیم بمران میلی مجابگی و مهارت بگذرند.

اما از بخت بد و طالع رد این غم هم بالایی غمهای دیگر آمده خاطر اولیاء امور را مشغول و بوخت و دهشت مقرون و مشغول داشت، و این سفینه شکسته بولتیک خلیج در قمر محیط نفاق به مخاطرات گوناگون دوچار و بتلاطم و تهاجم امواج گرفتار گشته در شرف ضیق و انهدام بود.

این واقعه بحدی عظم و اهمیت بمهرسانید و اثرات خود را تا آن اندازه بخشید که بوشهر مرکز نفاق و محور شقاق و بوشهریان پست ترین طبقات ابران شناخته شدند، و نفاق حاده در آنجا ضرب المثل گردید، این او آخر دیگر سستی و رخاوت آمان باقعی درجه رسیده نزدیک بود کار بجای نازک بکشد و صاحبان وطن خواه که درد وطن داشتند بوسیله مکاتب و تلگراف و جریده و غیره از اظهار تعظم از حالت حامزه و کیفیت حالیه کونامی نکرده دیگران را که در تنگنای نفاق افتاده بودند نازیانه غیرت و عجز عصیت شده در طلب عدالت و تقاضای رحم و ممدت داد معنی دادند، و حالت آنها خلیلی شبیه بحال هیئت جامعه ملت بود که ۲ سال قبل درخواستن

مشروطیت بفریاد آمدند) و مراتب مظالم وارده بر حال این مشتی فقیر را بمبادی مالیه اظهار و اظهار داشتند و چندین ماه این فقره در تحت مذاکره و محاوره بود و احکام متعدد تلگرافی رسید که از آن جمله این سه تلگراف است: -

۲۲ شعبان

توسط همدان التجار حاجی سید محمد رضا و حاجی باقر - خدمت هموم علماء اعلام و نجار و اصناف و کسبه بوشهر - تلگرافهای شا در باب انتخابات بتوسط جناب مستطاب شریعتمدار آقای آقا سید جعفر بجهت دامت برکانه رسید، رفع موانع از طرف وزارت جلیله داخله بحکومت بوشهر اکیداً خواهد شد - در عمل انتخابات مانع و محذوری منصور نیست، مطابق نظامنامه اقدامات لازمه بعمل آورند، و بدون تأخیر اشخاص لایق کار آگاه منتخب نموده بمجلس محترم شورای ملی بفرستید (مجلس شورای ملی)

ایضاً

توسط جنابان اجلاء و الاعیان و التجار حاجی سید محمد رضا، و حاجی محمد شفیق و حاجی باقر زید توفیقاً، جناب جلالتمآب اجل مجد دریا یکی حکمران بوشهر دام اقباله - از قراریکه تلگراف از نمای اعلام و تجار و اهالی بوشهر توسط جناب مستطاب حجة الاسلام آقای حاجی سید جعفر دامت افاضه بمجلس شورای ملی رسیده است برای انتخاب وکلای بوشهر مانع و محذوری پیش آورده اند، و تا بحال نگذاشته اند وکلای آنها منتخب شوند، اینست که اکیداً اظهار میشود که وکلای تمام ولایات رسیده غیر از بوشهر، البته با احاطه و اطلاع که از حال اهالی آنجا دارند موانع را رفع کرده سریعاً موافق نظامنامه و حضور طبقات بچگاه وکلا را انتخاب کرده با اعتبار نامه صحیح حاجی روانه طهران نمایند، و نتیجه اقدامات را زود اطلاع دهید که در تعیین وکلای بوشهر پیش ازین تعویق نشود، (مشیر السلطنه)

۲۷ شعبان

هیئت نظار را زحمت اظهار میدهد. تلگرافها در باب انتخاب وکلا به مجلس شورای ملی رسید، اینکه طریقه انتخاب را استفسار نموده بودید، انتخابات

کلیتاً از طبقات ۶ گانه موجب قانون نظامنامه ایالتی و ولایتی باید بشود، و این ترتیب تغییر ناپذیر است، خوب است هر چه زود تر بترتیب مقرر اقدام در انتخابات نموده و کلاً را روانه نمایند

(شورای ملی)

پس از آنکه جناب دریابگی حکمران خلیج از مسافرت خود بمرکز ایالت معاودت و مراجعت نمود در انعقاد مجلس انجمن عالی که اولین وسیله رفع نفاق و شقاق میباشد مسمم شده که بهر نحو باشد باید اساسی را دائر و معین فرماید که هم سهائی بعمل آمده باشد، و هم تا اندازه اختلال و اضطراب سابقه مرتفع گردد.

در روز عید فطر که وجوه علماء و اعیان و اراکین و تجار در دربار حکومتی حاضر بودند معزی الیه نطقهای متصل داده ضمناً تشریح معایب و مفاسد هرج و مرج را بطریق اکل نموده، بر حسب لزوم و اقتضاء وقت از بروز نفاق حاصله اظهار شکایت فرمودند، و رأی خود را چنین بیان کردند که باید هر طور است در طرف یک هفته و کلاً یعنی محلی از طبقات ۶ گانه در محل حکومتی منتخب شوند، و اعلان درجریده محیه نشر دادند، که موکلین بیدست طوعاً حضور بهم رسانیده، درارمنه معینه و کلاً خود را انتخاب سازند، هیئت اظهار هم (که بر حسب مندرجات جریده مقدسه از کار دست کشیده بودند) شخص نظارت انتخابات بی تعرفه در محل حکومتی حاضر شده و ناظر بودند

روز اول نوات اصناف بود و بهر نوعی بود و کلی از جهت خود تعیین نمودند

روز دوم که موقع انتخاب وکیل اعیان بود وجوه اشراف و طبقه نویسندگان و منشیان (که معلوم میشود بر طبق تاگراف دارالشورای ملی باید از طبقه اعیان محسوب باشند) در محل حکومتی بار یافتند و خط ذیل که اختصاراً حکومت محلیه نوشته شده در آنجا فراتر شد:-

عزیزه حقایق گویان بجناب ... آقای

دریابگی حکمران کل بنادر

خلیج فارس دام اقباله الهی

جناب جلالت مابا - از زمانیکه از بوشهر به لنجه تشریف فرما شده، تا کنون قلبی در طی بحر بر نیاورده، و مترصد حرکات جنابت بوده، وقایع لنجه را کماکان شنیده سکوت اختیار کرده، نطقهای مفصل بولتیک آمیزت در روز عید به گوش خود استماع کرده چشم پوشی از توجیه آن کرده، اخبار مجلس سری آنجناب بامستبدین واقف گشته، ابداً دم در نزده، و به ابتاه

وطن هم اشارتی نموده، تمام ملاحظه اینکه شاید خود از اسب نجاهل فرود آمده و طریق تعقل در پیش گرفته باشید، کلمون که مشاهده می شود از روی ترتیب غیر صحیح نسای تشکیل انجمن و انتخاب و کلاً نموده اند، نمی توانم از وظیفه خود دست کشیده و غمض عین نماید، لذا پس از آنکه آراء همه فدویان بر اظهار اعتراض حقیقی واحد گشت با کمال ادب اشخاص ذیل معروض می دارند، و در حضور خاق وحدان و مجلس مقدس شورای ملی و روزنامه نگاران مالمصراحه اقرار و اعتراف دارند

این است اعتراض جمیع حق گویان به گفتار

اولاً در جواب اعلان جناب عالی که بمعموم بخط نموده، و اقدامات صادقانه خود را در مدت یکسال ظاهر نموده عرض میمانم که روزنامه معتبری در باب ترتیب انتخاب سال قبل جناب عالی بر جمیع ایرانیان ظاهر میدارد و شرح آراء بیک کلمه (خصوصی) هر صاحب مدبری در می یابد، و بهر اثر و نتایج آن یکسال که حدوث نفاق و بروز نفاق است بخوبی اقدامات صادقانه جناب عالی روشن می نماید با این اعلام مبرهن و نتایج روشن می دهیم چگونه میتوانیم خود را خیرخواه ملت و دولت قلم داده و باین اعلانات بولتیک و اختطارت معمولی اهل عقلا و اولاد امده ملت مشوب بنماید، پوشیده نماند که امروزه کسی اعتد بقول، عمل نخواهد نمود، و بدغل پس خود را قائم نخواهد کرد هر کس نتیجه اعمال را خودمان و طریق مستقیم حویان است، اگر توجیه حضوراً اظهار آراء و عقاید خود را نمانم در خطی که مقبول و معقول است از اظهارش کوتاهی نخواهیم کرد

ثانیاً اعلان جناب عالی دلالت دارد بر اینکه باید موجب عدم منامه انجمن ایالتی و ولایتی انتخاب و کلاً گردد، و در حقیقت هم احدی بحق نیست که مات را عبور کند خارج از ترتیب نظامنامه معمول دارند، ولی جناب عالی بر حسب اقداماتی که بوم قبل درباره تعیین وکیل اصناف کرده اید اداً موجب نظامنامه مذکوره نبوده، و حیرانیم این ترتیب را در کدام کتابچه بی ترتیبی پیدا نمائیم نمی دایم بکلی از شرایط کتابچه بی خبر هستیم، یا آنچه از شما آمده، ظن غالب بر نجاهل است، ما چهار اصول اصلی که در کتابچه مذکوره مندرج است و بی رعایت آنها باعث تخریب انجمن و عدم صحت است معروض می داریم -

اول شرایط انتخاب کنندگان و شنوندگان است دوم نشر اوراق تعرفه باشخاص مذکور و گرفتن

آنها در وقت اظهار رأی و تطبیق نمودن ورقه آراء یا عده اشخاص است

سیم نیت اساسی انتخاب کنندگان
چهارم محل انتخاب

چنانچه این شرایط مجری نشود ابدأ انتخابات رسمیت ندارد. آنچه که بوم قبل درباره اصناف رفتار نمودیم نه ملاحظه شرایط انتخاب کنندگان نمودیم و نه اوراق تعرفه نشر نموده و نه تطبیق اوراق رأی با اشخاص نمودیم. در محل حکومتی هم انتخابات قرار دادید و حال آنکه بالصریح در نتیجه ذکر است که محل انتخاب در مساجد یا مدارس باشد.

با این همه اختلافات و عدم رعایت کتابچه میخواهید انجمن ملی دائر شود، خلاصه تا بموجب نظامنامه اقدام در تشکیل انجمن نفرمائید. احدی از مخلصان قبول نخواهیم نمود، و چنانچه بهمین طریق سرگیری نخواهید انجمنی دائر کنید باز همان آتش و همان کاسه است. همگی بدارالشورای کبری مراتب را معروض خواهیم داشت. • شوال ۱۳۲۵ امضاء

شیخ زین العابدین خادم وطن - الحاج سید رضا کازرونی - الحاج محمد شفیع کازرونی - الحاج میرزا غلامحسین کازرونی - الحاج محمد باقر بهبهانی - الحاج محمد رضا بهبهانی - الحاج مجیبی بهبهانی - میرزا غلام حسین کازرونی - میرزا محمود کازرونی - سید حسین بهبهانی - محمد حسین منشی بهبهانی - میرزا احمد منشی ظهرائی - سید باشی - علی محمد منشی - سید مرتضی اهرمی خادم الشریعه - میرزا محمد نقشبند - صدرالعلماء - سید محمد شفیع - میرزا علی کازرونی - میرزا حسین اهرمی - حاج محمد جعفر بوشهری - حاج محمد تقی کازرونی - سید محمد بهبهانی - داکتر میرزا محمد منشی - میرزا غلامحسین منشی - محمد رضا منشی - محمد علی منشی - محمود منشی -

(چون این نقل را نگارنده خارج از مجلس برداشته در حالیکه قرائت میشد شاید از این جهت تقدیم و تأخیری در آن شده باشد. و مخصوصاً اساسی مندرجه پس و پیش افتاده باشد. از صاحبان عذر خواهم)

اگر گفتگوی زیادی که در قرائت آن نامہ وقوع رسیده بعرض قراء محترم برسانم سخن بد را زامی کشد. یکی از وکلاء منتخب شده انجمن در جواب آن فرمودند که کتابچه نظامنامه ایالتی و ولایتی که این ایرادات بر طبقش وارد است منسوخ گردیده، و گویا دلیل آن وکیل هم این بوده، که چون از دارالشورای مقدس امر بعدم انتخاب افرادی شده و تصریح بر وقوع انتخاب طبقاتی گشته، لذا اصل نظامنامه هم که

دستور الصل کلیه انجمن ایالتی و ولایتی را تشکیل میدهد باطل است، و ظاهراً همچو فهمیده بود که آن نظامنامه سابقه (یعنی قانون انتخاب وکیل دارالشورای ملی) در انعقاد انجمن محلی باید مرعی شود این حرف وکیل جلیل خلی سست و عاقل است باین جهات

(۱) مخالف نص قانون اساسی ایران است زیرا در قانون در ضمن اصل ۶۱ علناً گفته شده (اعضای انجمنهای ایالتی و ولایتی بلا واسطه از طرف اهالی انتخاب میشوند مطابق نظامنامه ایالتی و ولایتی) یعنی نه موافق قانون انتخاب مبعوث طهران

(۲) منافی با امر صریح دارالشورای ملی است که در تلگراف اخیر فوق تصریح بر رعایت نظامنامه ایالتی و ولایتی شده است، یعنی در صورتیکه آن نظامنامه ماحوظ نشود گویا اصل انتخابات مشروع و جایز تصور نشود (۳) بر ضد مشهورات واضح میباشد یعنی اگر انتخاب وکیل انجمن باید موافق نظامنامه وکالت طهران جاری شود آنوقت درجه اختیارات و اندازه اقدامات آنها را در کدام قانون بیابیم؟ نظامنامه انتخاب وکیل طهران که معلوم است حاوی بر اختیارات وکلاء انجمن محلی نیست، پس میپرسم آیا وکیل بی قدرت و اختیار در هیچ دنیا یافت میشود؟

یکی از نظار هم گفته بود که این اعتراضات مندرجه در خط فوق را اگر جایز هستند باید قبول و الا نکول نمود، ولی مهمه دیگر آنست که صرفه خود را در اوضاع حالیه میدانستند نگذاشت اعتدائی بان حرف شود. و بالأخره ایرادات مذکوره مسکوت عنه ولا جواب ماند، بقیه انتخابات نیز با تمام رسیده صورت اساسی وکلای انجمن حالیه که بنهج مسطور در خط فوق انتخاب و برقرار شده اند بطور ذیل است جناب مستطاب علام فہام شیخ فاضل رشتی از طرف علماء

جناب مستطاب سادات نصاب حاجی سید محمد رضا کازرونی طرف اعیان

- حاجی عبدالرسول از طرف تجار
- میرزا علی کازرونی • اصناف
- شیخ ناصر خان • ملاکین
- حاجی عبدالرضا محمدقلبر • ملاح

هر چند از درآمد اظهارات وکیل سابق الذکر همچو برمیآید که گویا خود را موظف بر رعایت نظامنامه ایالتی و ولایتی میدانند ولی مخصوصاً اخطار مینمایم که باید این هیئت کلیه اقدامات خود را بر وفق نظامنامه مذکوره بعمل آورند. از ملاحظاتی شخصیه و افشاش

تفصیله کناره جونی کنند، و در جاده تحت عمل و مواظبت قانون و رعایت انصاف داخل شوند و گرنه بقول خراسانیها (قبحه مره) (خادم وطن)

تلاکرافات

(۱۵ شوال - نومبر ۲۲)

§ از نیویارک خبر رسیده که (۲۸۰۰۰۰۰۰) لیرا طلا مجدداً برای ورود با آمریکا تدارک شده است

(۱۶ شوال - نومبر ۲۳)

§ تاکنون برای نگاه داری اعتبار (۸۱۵۰۰۰۰۰۰) لیرا طلا در نیویارک آماده شده است

§ مجلس شورای آلمان را در بحث مرض بوم معطل گذاشته شده، چه دولت از مجلس حفظالصحة بحریات لازمه خواسته که در شورا پیش نیاید

§ در اسپن (۱۳۵) گرفتار شده، و از خانهای آنها ۱۳۴ نارنجک بیرون آمده است

§ وقایع نگار استدرد خبر میدهد که ولیمهد را بفاصله صد میل دور از اسپن حمله وطن داده اند § از (بروگل) خبر رسیده که با اتفاق بین شاه لیوبولد پسر (اونگو) شده بود و تا هفته آتی به شرایط صالح را در مجلس ملی پیش خواهند نمود

§ اخبار دلی میل رفته از است که دولت انگلیس بحال دارد کانفرسی از نمایندگان دول منعمد نموده در تجارت اسلحه در خلیج فارس و سواحل بحر احمر و مغربی افریقا بحث نمایند

§ مفتش خاصه دولت روس برای ملاحظه زلزله در (قراداغ) رفته نوشته است نه سه هزار نفر از این اهلای هلاک شده اند

§ از قسطنطنیه خبر رسیده که از جانب دولت عثمانی حکمی برای بنای نهر در جانب (کونیا) که واقع است در آسیای کوچک صادر شده

§ بجهت مصارف قبلیان روس در جنگ ژاپون (کونت بن کن دروف) (۱۸۶۰-۱۸۶۱) لیرا به (بیرون) نوموره) باینده ژاپون برده است

§ از (ارجنتا) خبر رسیده که مایع زیادی در آنجا دیده شده و ظروف برآبی زراعت میرود

(۱۷ شوال - نومبر ۲۴)

§ مستر و استن جرجل روانه (ایک البرت و بین ژا) شده است

§ از بران خبر رسیده که صرف اضافه قوای بحری آلمان در ده سال یعنی از ۱۹۰۸ الی ۱۹۱۷ (۲۰۸۶۰۰۰۰۰۰) لیرا خواهد شد، از اصناف بودجه سنة ۱۹۰۶ (۴۹۳۰۰۰۰۰۰) لیرا خواهد نمود و مبلغ (۳۰۹۰۰۰۰۰۰)

لیرا نیز برای تعمیر جہازات ذخیره خواهند گذاشت § افواه است که در سنة ۱۹۰۸ ولیمهد انگلستان بازوچه محترمشان بصفات امپراطور آلمان در برلین خواهند رفت § فوجی از فراسه که مقیم مراکو بود نیم شب از (لارد ماریند) بجانب قبائل نی حسن روانه شده چه این قبیله بر سر تفاوت بوده اند آواز توپ چند ساعت متواتراً شنیده می شد

§ قبیله نی حسن بر فوج فراسه حمله نموده و ۴۸ ساعت کامل جنگ بود طاقت میدان را سخت دیده عقب نشسته، مواشی زیادی بدست غنیم افتاده و شش نفر شان هم مجروح شد

§ خبر روتر از عدن خبر میدهد که در (کامران) بین حجاج مرض هائمه شیوع یافته - در پورت سعید نیز یک نفر گرفتار این مرض شده است (۱۸ شوال - نومبر ۲۵)

§ شاه (هاگ) وارد لندن و به همراهی (کوپن مور) بجانب (سنکدریکهام) روانه گردید

§ ۲۵ نفر از قبیله بی حسن کشته و خیلی مجروح شده اند، این امر به قین پیوسته که مولی حقیق را در (موغادور) شکست فاحشی رسیده، ۶۷ مقتول و ۳۵ از همراهانش مجروح شده اند، از لشکر سلطان فقط ۱۴ نفر هلاک گشته، دوست تنگ نیز بدست لشکریان سلطان آمده قشون سلطان اردریا عبور نموده شهر را تصرف آوردند، و ورود قشور سلطان افسران حوشجول شده تهدت گفته اند

§ تلگراف رسمی بران تردید حلالی وطنی ولیمهد بروگل را میکنند

§ امپراطور آلمان تأخیر در حرارت ر انگلستان نموده، در کابسی (هی حاتم) که در ضامی واقع است روه باز شیخ آورده اردحام ر باد بود

§ حکمت عالی (سلویش آرمی) چنان تدارک میباید که برای قحط زدگان هند (۲۰۰۰) لیرا فراهم نموده غله خریده روانه یابد

§ حسب الحواش حکومت (حار) سلویش آرمی سرپرستی حذامیاد را زده گرفته، یکی از آنها در (ارجنتا) گرفتار این مرض شده در (جاوا) فرستاده شد که با جذمان کار کند

§ در شمال (مدل ایند) و (ایست کند) طوفان سختی شده و حنا باران باریده که کلمات و ناغات را صدمه رسانیده است

(۱۹ شوال - نومبر ۲۶)

§ دولت آلمان قانونی را در مجلس شوری پیش نموده که اهالی آزادی در بریا داشتن مجلس عمومی

از کشک و هرات وارد رفته و من بعد پیمایش شاهی که در هند مامور خواهد شد خواهند نمود

§ سلطان زنگبار از پاریس بجانب (مونت کارو) روه گردید

§ يك مایون (دولر) طلا بشارگی برای امریکا خریداری شده است

(۲۸ نوامبر - ۲۱ شوال)

§ از نواح الجیریا به امریک خبر رسیده که در نیورس عده زیادی اعرابان در حرکتند حاکم الجیریا تلگرافاً خبر داده که (۲۰۰۰) صرب بسرحد الجیریا رسیده ، و حبال حمله دارند - روز سه شنبه بعضی باغات را خراب کرده و رفته اند

§ تلگرافی از برلین رسیده که در مواردی دخل و خرج بحری در ورقة عاجده بدظمی آن را افسوس نموده در آن ورقة چنین نوشته شده که در میان انجیرها تشکجهها و منتظان اتفاق دیده نمی شود ، و ازین است که قوه بحری آلمان به درجه سوم محسوب می شود ، و اگر جنیدی بدین منوال بگذرد یقین است به درجه چهارم خواهد رسید

§ چون استشام شرارت از سردار (ذولو اند) می شود پاریس اروپائی به آفسوب گسیل داشته اند و فوج مایشیا نیز آماده و مستعد حرکت است

§ جماعت اصراب روز سه شنبه بر (باب لاسه) هجوم آورده و شش ساعت جنگ نموده آخر عقب نشستند تعداد فوج در اینوقت صد نفر بوده که منجمله آن ده کشته ۹۶ مجروح شدند - از نیورس واجده امداد بآنها فرستاده شده است

§ مجدداً خزانه واشنگتن يك هزار اونس نقره خریداری نموده است

(۲۹ نوامبر - ۲۲ شوال)

§ (در باب لاسه) عده اصراب ۶۰۰۰ بوده نقصان قشون از فراسه ۱۲ نفر که در آن يك از لغتنت نیز هلاک شده ، از (سلبنده و میلپانی) امداد فرستاده شده

اخبارات فراسه هیا هووی زیاد مینمایند که فوراً سرکوبی صرها شود ورنه ازین شکست آنها جری خواهند شد

§ جنرال بکارت در مجلس ملی فراسه اظهار داشت که امریکدی به کادر (ایبانی) رفته که قبله بنی حسن را سزای معقول بدهد و نیز فوج اجده را نیز با طاعت کادر (ایبانی) حکم فرستاده شده است

§ در شورای آلمان در منظوری اخراجات بحری (برس بولو) در جواب سوالی اظهار داشته که مقصود دولت این است که قوه بحری آلمان همیشه مقابله با قوه بحری دول دیگر باشد

مطابق قانون و درجهنن مجالس انتظام پولیس لازم است

§ در مجلس ملی پروشیا در ضمن نطق خود پادشاه ظاهر داشته که وضع مالیت روه بخراش نهاده ، و از سبب ساختن راه آهن خرج زیاد بدولت عاید گردیده است

§ دولت روس کارخانه مکمم را برای ساختن دو چهار چرخ به صرف (۴۰۰۰۰۰) لیرا فرمایش خواهد کرد هر يك چهار تون بست هراتی و سرعتی بست بون خواهد بود

§ در سر از روز دوشنبه جنگ سختی میان دینیه بی عیس و لشکر فراسه واقع ده هزار از طرفین مشغول کار بودند ، سواران - مجبوراً از ترس حمله آدرمی شدند ، فراسه را نقصان زیاد در این جنگ رسیده ، تشکجهچیان فراسه را تکالیف زیاد رخ نموده ، نقصان صربها در این جنگ هزار و دویست نفر بوده است

§ برای ذخیره خزانه واشنگتن ۳۰۰۰۰۰ (اونس) نقره خریداری شده است

§ بحیر روتز از (لیکوسی) خبر میدهد که کپتان اسمته رئیس نوبخانه که بحفظ ایالت مبرفت در راه متبول شده و از سپاهیان ۳۰ نفر مقتول و مجروح این واقعه در آنطرف دریای (کریسه) واقع شده اظهار درستی مدست نیامده است

§ از برسه بورغ خبر رسیده که مجلس (دوم) نهایت نامه فرمانبرداری مکمل نموده از حضور امپراطور حلال گردیدن داشتند ، چون از تحریک بعضی اعضا اشاره به خودمیری سلطنت در آن نوشته بود منظور شده است

§ در (هوانت همیون) بسبب ترکیدن معدنی ۵ نفر هلاک و ۱۱ نفر زخمی شده اند

§ مرهتزی کابل نرمن صدراعظم انگلستان رهسپار (سیرت) شدند

§ روز دوشنبه ۲۰۰۰ عرب بر ۸۰۰ نفر سپاهیان فراسه در (زودی) (اس) باطایفه بی حسن مشغول جنگ بودند حمله نموده فرانسویان مجبوراً به الجیریا گریخته ۸ هزار تن - و گشته چنان اقواء است که قبائل مطیع باقیبله - حسن مع شده حالت آنها خیلی خوفناک بنظر میرسد

(۲۷ نوامبر - ۲۰ شوال)

§ (جنرال دوکو) از مراکو خبر میدهد که قشون سانی باناب مولی حمیظ مولی رشید دو روز کامل در (رباط) حاکم نموده - قشون سلطان شکست خورده و دونوب به غیم داده است - از طرفین نقصانات رسیده - فوج سلطان به تکالیف زیاد گرفتار اند

§ از یترسبرگ خبر رسیده که هیئت از مهندسین که در (مسکو و کرش) ساختن راه آهن مشغول اند برای پیمایش راه آهن که وصل بپند بشود راه را از

جبل المتین کلکتہ

مدیکل کالج استریت نمبر ۴

Hablul Matin Office,
4, Medical College St.,
CALCUTTA.

وکلا دمه دار ابونجات مشترکین اد (بدل ابونہ اخبار پیشگی گرفته میشود)

قیمت اشتراک سالانه - - شش ماهه

نامه مقدسه

هند و برمه

۱۲ روپيه - - ۷ روپيه

ایران و افغانستان

۲۰ قران - - ۲۵ قران

عثمانی و مصر

۵ مجیدی - - ۳ مجیدی

اروپا و چین

۳۰ فرانک - - ۱۶ فرانک

روس و ترکستان

۱۰ منات - - ۶ منات

المتین

۱۳۱۱

کلیه امور اداره با

مدیرکل مؤیدالاسلام است

هر دوشنبه طبع

و سه شنبه توزیع میشود

یوم دوشنبه

ذیقعدة الحرام ۱۳۲۵ هجری

مصادف با

۹ دسبر ۱۹۰۷ میلادی

(مراسلاتیکه بدون امصایبے معروف اداره)

(باشد درج نخواهد شد)

عاشق وطن . مجاهد حقیقی ایران، فدیہ عظیمای ملت . نگاهدارنده استقلال سلطنت .

(حافظ حریت نامه ایرایان دست غیبی . حافظ مشروطیت .)

(عباس آقای مجاهد محمد زاده تبریزی رحمة الله علیه)

(قاتل مرزا علی اصغر خان صدر اسبق ایران)



(سوگنده بنمشیر یدل الله شکوه * عباس علی کشت امین دون را)

ابن جوان غیور ۲۲ مراحل زندگی را طی نموده - معلومات ابتدائی را با اندازه کسب خود داوا از نژاد نجابت ، و قایل اصالت ، و تاجر زادگان محترم ، درست رفتار ، راستگوی مستقیم الاطوار ، صادق الوعد ، پدرش از عزیزین تجار ، خودش صراف معتبر ، دارای ثروت و اعتبار ، در دست حساب ضرب‌المثل ، پای بند بسوم و صلوات ، راغب بقرائت جرأند مایه ، مطلع از اوضاع عالم بود حق این جوان غیور برده ابرایسان زیاده بر آن است که توان شرح و بسط داد ، همین قدر میتوان گفت که درین صد سال اخیر جوان مردی باین قوت و غیرت در ایران بای نگرفته ، تاریخ صد ساله ایران چنین یادگار عظیمی بخود یاد ندارد و مادر وطن چنین فرزند غیوری در آغوش نکشیده ، جمیع ملل عالم را جرأت و جلالت ابن جوان بحیرت انداخته

(کس ندبدم که زبان را به شایش نگشود)

چنانچه شمه آواره بن یک تاز میدان جوان مردی از نگارشات ذیل مستفاد تواند شد روزنامه (قران) بن از آنیک شرح حال ابن جوان غیرت مند را مفصلاً نگاشته سه رقعه که قبل از قتل به میرزا علی صفر خان محض انام حجت نوشته بدست آورده درج نموده که عیناً رقعات مذکوره را ما نیز ترجمه می نمایم

رقعه اول

(۱۰ ج ۱ - ۱۳۲۵)

(به آقا میرزا علی اصغر خان انابیک)

بده مأمورم که رسا شما را بیسگهانم که حرکاتان منافی است با آنچه را که در مجلس مقدس شوری ملی وعده نموده بودید ، مجاهدین غیور مات واقف اند از سر شما در خطوط باطله ، و بعضی سندات هم بدست آورده اند ، منتها بشا میگویم که ترك دوروش نموده ، بمواعبدی که در مجلس مقدس کرده وفا ننمایید ، تا حیران خیانتی سی - له شما را بنماید (راقم ع - س)

رقعه دوم

(۱۰ ج ۲ - ۱۳۲۵)

(به آقا میرزا علی اصغر خان انابیک)

در همین تاریخ ماه گذشته بر حسب مأموریت خود شما را آگاه نمودم که از سوار حر شیطان باین آمده ، سو روی را بدر گذارید ، ترك عادت دیرینه ایران و بران کن خود را گفته ، بمجلس مندرس همراهی ننمایید ، سوک سی ساله شما تالك و مت ما هنوز در نظر آحاد مجسم است ، اندا فراموش نکرده اند دست بردهای شما در قبال ناصر لدین شده بر بیت المال مسامین ، و از یاد نداده اند ایرات فروشهای شما در مسئله استغراض و تقوی را که تخرجه داده اید ، برای جبران سببات سالفة خود خوب است عمر خویش را دراز نموده ، دورنگی را از خود دور دارید ، و ما مجلس مقدس و مشروطیت سلطنت همراه شوید ، و این نکته را هم بدانید که مدت قادر است شما و امثال شما را بسزای خود برساند (راقم ع - س)

رقعه سوم

(به آقا میرزا علی اصغر خان انابیک)

(۱۰ رجب - ۱۳۲۵)

بن آخرین خطی است که بر حسب تکلیف و مأموریت خود ، محض انام حجت بشا می نویسم ، برخی سندات صحیحه در خطبتهای جدید شما بلك و مات و خلاف مشروطیت بانجمن سری مجاهدین رسیده ، و فتوای قتل شما حتماً صادر شده ، محض اینکه بدانید ابن سخنان بی مأخذ نیست ، سواد رقعه که بارفع الدوله در

ترجمه روز نامه هرالد

(درباره عباس آقای مجاهد)

(۱۹ اکتوبر)

روزنامه هرالد می نویسد، که رهبر هیچ تاریخ دیده شده که مانند ایران قابل خودداری کرده را با این پایه محترم مدارند، چنانچه تلگرافات طهران خبر میداد که برای ترحیم عباس نام قاتل میرزا علی اصغر خان صدر اسبق ایران، دویست هزار هر در روز بر سر هزار او از دحام نموده، حسیات هم در راه طاهر ساخته، قبر او را در زیر گلپای رنگا رنگ مستور داشتند، و در هیچ مات چنین حسیات دیده و شنیده نشده، فقط این احترام نصیب نمایان شد آسم وقتی که جنازه او را از (سنت ماینا) عودت فراسه دادند، این نکته بر زندگی حسن مات ایران شهادتی بلیغ میدهد و بجوئی ظاهر میدارد که این ملت دیگر روبرو استبداد نخواهد رفت

یکی از جرائد فراسه می نویسد

قاتل صدر اسبق ایران (عباس نام) حق عظیم بگردن ایرانیان دارد، و در عوا بلاتیک خدمتی نمایان ایران نمود، جوانان غیور ایران را جری ساخت، و چشم بسته مات را باز کرد، و بر علیسان نمود، که مات ایرانیه بی محقوق خود برده و در ضریق منافع ممالکی و ملتی از جان دادن و جان گرفتن دریغ مدارند

یکی از جرائد اسلامی قفقاز می نویسد

حرکت غیورانه عباس آقای مجاهد قاتل میرزا علی اصغر خان رئیس الورای ایران دندان طمع اروپائیان را درباره ایران کاملاً کند نموده، دانستند ملتی که این گونه جوانمردان دلیر از خود گذشته را داراست هرگز زیر دست نتواند نمود

رپورت مطبوعه انجمن

(سری مجاهدین قفقاز)

آنچه به تخریب پیوسته هفت صد و شش مجلس ترحیم در قفقاز و ایران و ماورای بحر خزر و هند و غیره برای عباس آقای مجاهد در هر صده چهل و پنج یوم انعقاد یافته و يك هزار تلگراف درین ماده محابره شده و سه هزار و هفتصد و شش اخبارات مختلفه

اسلامبول نوشته و مسوده تلگرافی که باقبال الساطه زده اید فرستادم، و مطلع باشید که از مجالس سری که سه شب قبل و دیشب داشته، و مصاحبت گذارها که کرده اید واقفیم، سخنانیکه در بیکار ساختن مجلس مقدس به پادشاه جوان ساده لوح میگوئید بر ما پوشیده نیست، لذا شما را اعلام می نمایم که در هر صده ده روز اصلاح مفاسدی که خود بانی آن شده به نمایند، و به قصصیرات خود علیه در مجلس مقدس اعتراف و توبه نماید ورنه حتماً سرای خود خواهی رسید و پشیمانی را سودی نخواهد دید

(راقه عباس)

ترجمه روز نامه ویلز

(درباره عباس آقای مجاهد)

(۱۹ اکتوبر ۱۱ رمضان)

روزنامه (ویلز) می نویسد که انجمن سری مجاهدین قفقاز و آذربایجان خیلی قوت گرفته، عده رسمی اعضای آن به هشتاد و شش هزار و یکصد و بیست و پنج رسیده، و عده سری آنها بیش از هزار و سیصد، بر حسب قرعه از انجمن سری سیصد و هفت نفر انتخاب شده اند که نگران حرکات یکصد و سی و دو تن ارمستیدین باشند، و هر يك را حکمی سر بهر در دست است که بموجب خود باز نموده مطابق دستور العمل او رفتار نمایند، تصویر تمام قد عباس آقا را بزرگ نموده در يك از زوایای انجمن سری گذارده، و چهار چوبه دو تصویر را که به عمره یکی زیاده تر، و دیگری یائین تر از عباس آقا میباشد خالی گذارده اند

روز نامه مذکور می نویسد که هیچ چیز مستبدین ایران را مانند انجمن سری مجاهدین راه راست و نخواهد داشت، سبب سرسختی مستبدین در ایران آن است که تا کنون آنچه سرزنش از ملت دیده زبانی بوده، سرزنش عملی ندیده اند، انجمن سری مجاهدین سرزنش زبانی را ترك کرده، عملی اختیار نمود، اند، و جال و اهیان ایران که سر تسلیم نزد مجلس شوری نسیم نمودند، از برکت انجمن سری مجاهدین و اقدامات غیورانه عباس آقا بود

شرح حالات ابن قاتل و مقتول را نوشته همه همدرده بوده است ، از خارجه فقط بکصد اخبار بواسطه عدم اطلاعات کافی از حالات قاتل و مقتول و مقاصد شان ابن اتفاق را نیکو نگاشته ، وغالب آنها رسمی و نیم رسمی بود ، و ما را بر آنها هیچ ابرادی نیست ، تأسف ما در آن است که پنج اداره جرائد داخله ایران نعل را وارونه زده ، برخلاف وظیفه خود در این مسئله قلم فرسائی نموده اند ، ایشان راست که توه کنند و از عقاید خویش باز آیند ،

آراء رجال باسیاست در ماده عباس آقا

یکی از سیاسیون بزرگ اداره جنین می نویسد ، عباس آقا اول مجامدی است که جان گرامی خود را فدای ملت نموده و ایران را آزاد ساخت چه رأی العین میدیدم که اگر امین السلطان جنیدی دیگر روی کار مانده بود اساس مشروطیت را متزلزل می - حت ، و ایران را دست بسته تسلیم روس می نمود

یکی از تجار محترم که بنده از مؤسین (مشروطیت ایران میبدم و امیرالسلطان) (امر را با ایشان هم مشبه نموده بود) (اداره جنین می نویسد)

ولو در رأی خود بخطا باشم من امین السلطان را مخالف مشروطیت نمیدانم ، و در این هم شبهه ندارم که پس از قتل او اساس مشروطیت در ایران محکم تر گردید و بزرگتر از امین السلطان هم حساب خود را نموده ، ازین رو قاتل و مقتول هر دو را از اهل بهشت می شمارم

یکی از سفرای بزرگ ایران (اداره جنین می نویسد)

آفرین بر استقامت رأی و نظر دور بینت باد ، امین السلطان مرا هم بشبه انداخته بود ، قصدم از توجیه در حق او که بجناب عالی نموده بودم اظهار عقیدت بود ، نه همراهی به باطل ، چه قدر خوشوقتم که حسابهای اطلاعات خود را بر عقیده بنده مرجح داشته ، دست از اظهار سیات اعمال او برداشته تا بحق خود رسید حالانده میفهمم که عباس آقا مجاهد از شهدای وطن محسوب و خدمت فوق خدتهای این عصر بگویم مدنیت نموده است

یکی از فضیلتی جلیل و عاری نبیل (طهران اداره می نویسد)

هیچ جای که شهت نیست که بنده در بدو ورود امیرالسلطان و اطهارات او کمال خدمت در حقش می نمودم ، میدانم که از همراهی من نسبت ناو مطلع و یقیناً از من ملول و بدگناید ، ولی بصاحب شریعت مطهره سوگند که قصد من از همراهی باو خیر ملت و دولت بود ، بعد از رسیدن رفیقه جناب عالی بنور و تأمل در اونگریسته ، از او کناره گرفتم ، و از آن بعد رفته رفته برده بالا ققاد و تمام سیات اعمال او ظاهر گردید ، و دست غبی عباس آقا مجاهد حقیقی را برانگیخت و او را بسری اعمال خویش رسانید ، اگر چه عباس آقا شهید و جان خود را درین جهاد اکبر باخت ولی زنده جاوید و نام او سردفتر مجاهدین است ، خواهش دارم با آن عقیده اولیه خود در حق بنده باقی

نگاهی یکی از وکلای شیور ملت (مدار شهادت عباس آقا)

از مکافات عمل عالی بیاید شد ، که عاقبت هر کس کشته خود را میدرود ، عباس آقا مجاهد عاقبت جهاد اکبر کرد ، و مت بزرگ را که تمام اصناف مختاره ایران و غالب طبقات راشیه طهران او را می پرستیدند بزمین افکند ، چون شما دورید از شرب الیهودی مسلک وکلای مجلس واقف نیستید ، که هر کس بخمال خود حرف میزند و امین السلطان طرف غالب را هواداری خود جلب نموده بود ، کار محاسن کشید که در مجلس مقدس العرا باقه در حق اولیاء عظام حرف ردن ممکن بود ، و در حق امین السلطان غیر ممکن ، هرگاه کسی حرف حق در باره او میزند مثل این بود که خدای ناخواسته کفر گفته باشد ، از چهار طرف بر او می تاختند ، این روش وکلای کار را بجزئی کشاید بود که ملت از وکلای خود در عجزه نزدیک بود جمعی که علانیه هوادار او بودند از وکالت طمع نمایند ، سبب این همه خرابی این است که وکلای این دوره بیشتر از روی بساطت انتخاب نشده ، مات کاملاً واقف نبود که وکیل برای چه کار است ، رفته رفته ملتفت شده ، اشاقه در انتخاب

یکی از وزرای فاضل از طهران شرح

(مفصلی درین ماده می نویسد که اجمالش این است)

بدو ورود امین السلطان که توصیه او را بجناب عالی در

حلوگیری قلم نموده بودم، یقیناً مورث حیرت و تعجب

شما گردیده باشد، که از شخصی مانند من که هزارگونه

صدمه ازین شخص دیده، و کاملاً از خیالات او

واقفم، چگونه بجناب عالی توصیه او را می نمایم، همان یامیکه

بنا بود بایران آمد پیش قدم ترین وطن خواهان ایران

پرس ملک حاکم و فاضل یگانه آقا میرزا عبدالرحیم

طالب اوف که احدی را شبهه در وطن خواهیشان

نمی رود به بنده توصیه همراهی این مرد را نموده اطمینان

داده بودند که درین سفر مساک اولیة خود را درست

داده یعنی تا این وجه امر را بآنها نیز مشتبه نموده بود.

درین صورت بنده نیز صلاح آنها را به عقیده دربنه

خود شرح دانسته، همه قسم همراهی باو کرده حتی اینکه

بجناب عالی هم توصیه حلوگیری قلم را در حق او نمودم

آفرین بر شما که اطلاعات خود را ترجیح دادید بر توصیه

بنده، همین که امین السلطان سوار کار شد رایسے پیل

بمقاصد باطنیة خود که میدادید مرا مخفی دانست، در

صدد تخریب برآمد، حتی همان روزیکه دست خط

شاه را در همراهی بمجلس اراده داد و در ماطن

استقلال نامه خود را حاصل کرد، روز دیگرش اراده

تبعید بنده و چند نفر دیگر را از طهران مصمم بود

که دست غیبی (یعنی عباس آقایی مجاهد) او را

بسنزای اعمال خودش رسانید (یقین دارم که اداره

هفته کی و بومیة حبیل المتین را هم بحال خود نمیگذارد،

دویش را با چند نفر وکلای رایش و برخی ملانمایان

درست چیده بود، پس میتوان گفت عباس آقای

مجاهد احسان زرکی بطور عموم به همه ایرانیان و ما

و شما بطور خصوص نموده است)

بعد از قتل امیک یکی از دانایان ملت

(انگلیسه به نگارنده گفت)

اگر چه هنوز مخالفین مشروطیت در ایران

موجود هستند، ولی عباس آقای مجاهد بایة مشروطیت

را در ایران محکم نمود جمیع مخالفین حساب کار خود

را کردند

نانوی مردمان لایق شوری انخب خواهند شد، بعد

از قتل امین السلطان قدری آرام شد، گویا عباس آقا

وکلای مجلس را هم ادب کرد، عباس آقا حس ملت

را بیدار ساخت، و حق زرکی بساطت ایران دارد

من بعد ملت قدر خدمت این جوان غیور را

خواهند دانست

جناب استیاب فیلسوف یگانه حکیم

(آقا شکوه که از افاضل جلیل هندوستان است)

(درباره عباس آقا باداره چنین نوشته اند)

(هر کسی که دور ماند از اصل خویش)

(باز جوید روزگار وصل خویش)

در بیانات خود هیچ لازم بشهادت خارجی

ندارم، تاریخ نشان میدهد که در هفتاد مایون مسلمانان

هند بجای مایونش ایرانی الاصل اند، ازین رو ما

مسلمانان هندوستان هماره نظرمان به ترقیات وطن اصلی

و برادران وطنی مان میباشد، از مشروطیت ایران

مسرت ما مسلمانان هند بچه اندازه است اگر برادران ما

در ایران احساس نه نمایند شما که حاضرید احساس

فرموده اید، از آمدن امین السلطان بایران همان قدر که

ایرانیان ملول بودند، ما هم ملول بودیم، و در قتل

او اندازه که آنها مسرورند ما هم مسروریم، لذا این

خیر خواه صمیمی ایران قطعه تاریخی در رحمت

عباس آقای مجاهد نوشته اگر مناسب دانید عرض

اینکه ایرانیان همدردی مسلمانان هند را نسبت بخودشان

بدانند درج در حبیل المتین به نماید

§ جان داد و خرید نام روز افزون را

آزاد نمود ملت مرهون را

§ سوگند بشمشیر بداده شکوه

عباس علی صکت امین دون را

(یکی از رجال غیور ایران خواه)

(عالم فاضل هندوستان بتوسط شخص موشی)

(چنین باداره پیغام فرستاده اند)

هرگاه دفتر برای قائم داشتن یادگار عباس آقای

مجاهد باز شود، بنده برای تقدیم صد رویه حاضریم

نقل از روزنامه شریفه صور اسرافیل

اتفاق شب یکشنبه

تقریباً دو ساعت و نیم از شب یکشنبه ۲۲ رجب گذشته وزیر داخله (میرزا علی اصغر خان اتابک اعظم) در حالتیکه از مجلس و حیاط بهارستان بیرون آمده و بواسطه سید فقیری که عریضه در دست مستدعی انجام کاری یا اخذ وجهی متوقف شده بود، بدست عباس آقا نام سر حاج محمد آقای آذربایجانی با هفت تیر (رولوه) که سه تیرش صائب و مابقی خطا کرده بود مقتول شد، دو تیر خطا سپای همان سید رسیده و سه تیر دیگر از پشت سر یکی بگردن و دو تیر دیگر به پشت و کمر وزیر داخله خورده و در هاجا جان بجان آفرین سپرد،

و از عجب اینکه کالسه و مستحفظین وزیر داخله که همیشه در درب مجلس شوری حاضر بودند این دفعه بشدر پست قدمی دور بوده و همین قدر از وقت بعد از آقا فرصت اقدام داده است،

عباس آقای مزبور محض اینکه جلو روشنائی چراغ برق را بگیرد ابتدا مقداری خاک هوا و به چشم فزاقها که از دو طرف صف کشیده بودند پاشیده و فوراً تیرها را خالی می‌کند، با تیر اول که بگردن وزیر داخله رسیده بود و بر در داخله از با افتاده و شش تیر دیگر را هم بعد رو بزمین طرف اتابک می‌اندازد، از صدای تیر جمعیت زیادی یعنی سه چهار هزار نفر که در درب مجلس حضور داشته پراکنده شده و حق قزاقهای باستانیای سه نفر فرار می‌کند حضرت مستطاب آیه الله آقای آقا سید عبدالله مدظلله العالی نیز که با اتابک هم دوش بوده اند به تندی بمجلس مراجعت کرده در پای بله‌های اطاق حالت ضعفی وجود مبارک شان دست میدهد و بعد از مالش و یاره معالجات فوری که بحال می‌بایند میفرماید مجلس فردا از صبح زود شروع خواهد شد، و فردا هم مجلس از صبح زود تشکیل شده و حضرت آیه الله پیش ارجمه ورود میفرمایند، عباس آقا پس از آنکه از نتیجه اقدام خود مطمئن میشود رو بفرار میگذارد در نزدیکی خانه حاج مشار الدوله که در صد قدمی مجلس است یکی از سربازهای قراول خانه نزدیک که به تقبش غوغای

آمده است شخص فراری را می‌بندد و در صد دستگیری او بر می‌آید جوان با کاردی که در کمر داشته دو زخم یکی بران و دیگری بشکم سرباز زده سرباز بزمین می‌افتد و بواسطه خیال نامعلومی قاتل (رولوه) خود را بکام خود گذاشته خالی می‌کند و کارله از منز خارج میشود، این جوان در نزدیکی امام زاده زید دکان سراقی داشته متمول بوده و تاهل هم هنوز اختیار نکرده است، ومد تنهاست که در طهران بوده و موافق اخبار همیشه ساکت و ملایم و ایداً آثار فتنه و فساد در او دیده نمیشده است، بنده نگارنده خود امش او را دیدم جوانی است بسن پست و دو الی پست و سه سال، و به قباغه اشخاص عصبانی است سرش را با (ماشین) میزده و ریش کمی داشت، روز یکشنبه سه نفر را نیز گرفته مشغول استنطاق میباشند و هنوز آثاری بر استنطاق مترتب نیست و گویا بنسار آنچه ظاهر شده بر تقصیر باشد، و فقط چیزی که از قاتل بدست آمده همان بلبلی است که در جیبش یافته اند باین مضمون (عباس آقای سراف آذربایجانی نمره ۴۹) و ۴ دانه (کپسول استرکین) و مقداری سنگ جهنم در گوشه شال او بود، واقعه مزبوره فردای همان شب تمام ایالات از طرف مجلس مقدس شوری تلگرافاً اعلام شده و عصر همین روز مجلس مثل صبح مجدداً تشکیل شد،

(نقل از روزنامه یومیه جبل‌المتین)

فاجعه بزرگ

روز شنبه ۲۱ شهر حال وزراء بمجلس مقدس دارالشورای ملی آمده بعد از چندین روز که گفتگوی تغییر هیئت و نصب کابینه جدید بود و خاطرها از این بابت مختلف و هرکس بخيال خود حرفی میزد و رأی میداد مجدد صحبت تغییر وزراء واستعفاء را بپیان آورده بقسمیکه در ضمن مذاکرات مجلس مرقوم داشته ایم ثابت همان هیئت سابقه مقرر شده تا دو ساعت از شب یکشنبه هم در مجلس توقف داشته و از همه جبهه عمل را تمام کرده و با کثرت آراء طرف الطمئنان مجلس گردیده فارغ البال بعد از ساعت دو وزیر داخله میرزا علی اصغر خان امین‌السلطان اتابک باتفاق حضرت حجة الاسلام آقای آقا سید عبدالله دامت برکاته حرکت

کرده در دم در بزرگ بکنفر فقیر آقای آقا سید عبدالله متوسل شده و سؤال نموده آقا برای دادن وجهی به آن سائل اندک توفیق فرموده انابك چند قدمی از در بیرون آمده منتظر رسیدن در شكه بوده است که ناگاه بفتناً بکنفر جوانی بطرف او آمده بمحض رسیدن بارولول جمله برده سه تیر فشنگ بی دربی بطرف او خالی کرده و هر سه هم از قضا اصابت نموده یکی بزیر شکم و دیگری بکفتش خورده و از زیر بغل گذشته ثالثی بکمرش خورده یکی از آن سه تیر گویا بعد از عبور از انابك بیای بکنفر سید سز واری که عارض بوده است خورده و او را مجروح نموده است انابك فوراً بر خود بیچیده و بزمین افتاده و قاتل رو بفرار گذارده يك نفر سرباز فرادول خود را بدو رسانیده که دستگیر کند قاتل مزبور با کارد دو زخم منکر بسرباز زده و خود را از چنگالش خلاص نموده لکن چون دیده است گرفتار میشود همان رولول را بصورت خود گذارده و خالی کرده است که فشنگ مفز سر او را داغون نموده و فوراً جان داده است . انابك را مردم برداشته و ببا بیچیده در دوشكه نهاده بخانه شهريش برده اند و گویا نیم ساعت بعد از خوردن تیر بیشتر زنده نبوده است روز یکشنبه صبح جنازه او را در حوضخانه عمارت شهريش برده گنسیل و تکفین نموده در هانجا نماز گذارده اند که بعد از آنجا حمل بقم کنند جسد قاتل را هم بخانه وزیر مخصوص و بعد بداره نظمیة برده و تفحص کرده اند در جیبش کاغذی یافته اند که نام و نشان خود را مرقوم داشته است (عباس آقا صراف آذربایجانی عضو انجمن نمره ۴۱ فدائی ملت) معلوم نیست عضو کدام انجمن بوده گویا در اداره عکس او را برداشته و از آنجا بعمارت بهارستان و مجلس مقدس برده و جماعتی در آنجا او را دیده اند از قرار مذکور يك نفر را هم گرفته و مشغول استطاقند تا بعد هرچه فهمیدیم نشر خواهیم داد . حضرات حجج اسلام آقای سید عبدالله و آقای آقا سید محمد و آقای امام جمعه و غیر هم و وکلاء عظام هم یکشنبه از صبح در مجلس تشریف داشتند و از وقوع این قضیه همی متحیر بودند اعیان و وزراء هم از صبح متصل بخانه انابك آمد و شد داشتند البته

مجلس فاتحه و ختم هم منعقد خواهد شد -
از قرار معلوم قاتل در نزدیکی امام زاده زید دکان داشته و مشغول صرافتی بوده است

﴿ ایضاً ﴾

(از شماره ۱۱۲)

﴿ فاتحه خوانی ﴾

شنبه گذشته که روز هفتم وفات عباس آقا قاتل انابك بود جمعی کثیر از اهلی تبریز از صرافان و غیر هم وعده زیادی از اهل طهران بسر قبر آن مرحوم که در قبرستان جدید مرحوم مختار السلطه است رفته جناب حاجی الملك المتکلمین ناطق مفضل داده مراسم فاتحه خوانی و طلب رحمت و مغفرت بعمل آمده قهوه و قلیف صرف شد در حوالی غروب بهاء الواعظین نیز رسیده روضه مختصر ابستاده در سر قبر خوانده حاضرین وقت زیاد نمودند حیبت دو هزار نفر نخمین زده شد قبر را باصطلاح بله گرفته بودند کل و رباعین بسیار ساز نمودند غروب مجلس فاتحه ختم و حضار متفرق شدند

• ایضاً •

(از شماره ۱۳۵)

﴿ اخبار داخله ﴾

(مراسم روز جله و فاتحه خوانی)

هر روز و هر ساعت از این ملت نجیب نازه بیدار اعمال و حرکتی مشاهده میشود که عالمان را بحیرت می افکنند و احساسات لطیفه این قوم را نشان میدهد و بر مراتب قدر دانی شان شهادت صریح ادا میکند و اهل عالم متحیر که این ملت در این مدت اندک از کجا و با کدام تعابیات اینهمه راه پیوندند که دیگر طوائف در يك قرن کامل ادراک ارا نتوانستند جز آنکه بگویم تأییدات غیبی و الهامات الهی متصل باین قوم امداد میکند و کمک میدهد و حضرت ولی عصر (ع) نظر توجه بانها دارد

مصدق اینمقال واقعه روز یکشنبه ۲۷ شعبان است که برهان احساسات و بیداری و دلیل کمال وطن پرستی و ملت خواهی آنها است و مردم فهمیدند که این ملت قدر فداییان خود را دانسته مقام و مرتبه هرکس را

درست اداء میکنند روح عباس آقای مرحوم در امروز با همه شرف و شوق بجانب ملت نگران بود و طوشت حاله دستهای کل را که روی قبرش میافکند بحسن قبول تاقی میکرد و با چشم شادان جمعیت زیاد که در عوض یا ناسر سویش میدویدند نگاه کرده بازمان حال اظهار تشکر مینمود - بلی هر کس که برای بقای نوع و در راه حفظ وطن از جان هیز گذشت و نقد عمر را فدای مات و مشروطیت ساخت سرد که زیاده بر این مات از روح و جسدش یاس احترام منظور دارد و آیت رحمت یزدانش شهادت رستی در این جهل روز طوری از اثر ضربت دایره آن جوان مرد تغییر در تجاری امور مملکت حاصل شد که با چندین کرور پول و بیجا هزار قشون حرار احدث جواز تمیر ممکن میشد قانون اساسی با تمام رسیده مذفقین زاویه مقدسه را یاس حاصل شده نو میداد بکنج کلبه خود خائبه خاسرا مراجعت کردند ، تمام بلاد داخله قریب امن و امان شد ، اعیان و امراء جمعی مشروطیت خواه و خدمت گذار شدند و با بیان مغالطه سوگند یاد نمودند ، داخله مجلس منظم ، و کلاه محدود شدند ، پشت بد خواهان شکست

باری روز یکشنبه مزبور را روز چله قرار داده اغلب دکاکین بسته و حلالی گروه گروه سورا و پیاده با گل و ریحان سر قبر رفته طوری جمعیت تحریر را فرا گرفته بود که جای عبور بود عده جمعیت یکصد هزار نفر تخمین زده شد تمام اشجمنها و عموم شاگردان مدارس دسته دسته می آمدند چادرها برپا کرده جای و قهوه و سایر لوازم از همت وطن پرستان سبیل بود دستهای سینه زن بایات حانگدار مترجم و رطب اللسان بود خطباء بلوغ اللسان و شعراء شیرین بیان خطبها و قصائد ضراء خوانده خواججهای شیرینی زیاده ارحد شمار نثار شد مختصر چنان غیرتمندی ازین ملت ظاهر شد که اسباب عبرت عالمیان گردید شجاع السلطنه نیز دسته کلای بزرگ در کالسه نهاده و همراه خود آن مزار محترم برده نثار کرد قدا شرح این قضیه را بهمین مختصر قناعت کرده از ابیات بسیار بدو سه بیت از قصیده جناب آقای نقر الواعظین استنفا میکنیم و هو هذا

- (ای مزار محترم هر چند بزم مانی)
- (نیک از این نوگل که خلفت اندر توشادوخرمی)
- (جای دارد در توان کو عالی را زنده کرد)
- (عیسیت خواهیده در دامن تو ماا مریمی)
- (ای جهان غیبت ای عباس آقا کز شرف)
- (زخم قلب ملک و ملت را تویی مریمی)
- (ترک ابرای نژاد ای آنکه همچون نهمین)
- (معلی فریدون عیبی ناجی جی)
- (در ره یاجوج و ظلم و فتنه دست غیرت)
- (چون سکندر ساخت ز آهن پاره سد محکم)
- (گفت تاریخ عزابتش را بزاری خاوری)
- (کرد از شش لول احیا عالی را آدمی)

نقل از روزنامه روح القدس

(از شماره ۴)

(جزای خان)

(از مکافات عمل غافل مشو)

در زمان سلطنت ناصرالدین شاه مرحوم مغفوره خلد آشیان آقا سید جمال الدین اسدآبادی معروف بافتانی که ماه افتخار ما اهلی ایران بود ، و اهل ایران این گوی شرافت را از دیگران ربوده بودند برای تربیت و بیداری اهل ایران طهران آمده بود مردم تمام در بستر غفلت و جهالت غنوده استبداد را جناری قوی بعمل آمده بود بعد از اطلاع بر مقامات و مقصد سید حبیب القدر در صدد اطفاء نور خدائی بر آمدند دست تصدی بان سید کشودند تا اینکه سید را مانجا بر فرار نمودند سید به قعه حضرت عبدالعظیم متحصن میشود رئیس المستبدین صدر اعظم ناصرالدین شاه برده احترام آف بقعه را پاره میکند و آن سید مظلوم حبیب القدر را از حرم محترم عبدالعظیم مکتشف الموده بیرون کشید و از ایران خارجش نمود و خاک ذلت بر فرق ما ایرانیان ریخت غافل از اینکه ، (بادردکشان هر که در افتاد براقناد) چندی نگذشت که ناصرالدین شاه با آن اقتدار در همان موضع که سید حبیب القدر را مکتشف الموده بیرون کشیدند هدف گلوله واقع شده کشته گردید چون تمام اقدامات در حق سید از میرزا علی اصغر خان صدر اعظم واقع شد لابد بود که گرفتار

عقوبات اعمال قبیحه خود بشود *

بعد از کشته شدن ناصرالدین شاه زمان سلطنت مرحوم مظفرالدین شاه عدل بناه پنج سال دارای رتبهٔ صدارت ایران بود بعد از آن عزل شد و زمان گرفتاری و مجازات اعمال نزدیک شد فی الفور از ایران بفرنگستان فرار کرد که شاید از جنگال تقدیر الهی نجات یابد چهار سال در فرنگستان مشغول تهیهٔ سبب دادن ایران بود که عاقبت بحکم تقدیر بایران مراجعت کرد که بآن عهد ها که با روس و انگلیس و آلمان کرده بود وفا نماید، نخستین مرتبهٔ حکم بمجلس شورای ملی آمد در ظاهر قسم یاد کرد که خیانت همت نکند و در نهانی مشغول انجام مفاصد خود بود قسم را وقتی نگذاشت و بنای خیانت را بملت نهاد نام شهرهای ایران را منشوش کرد که یکسره ایران را بیاد فنا بدهد و ایرانیان را ذلیل روس و انگلیس بنماید وقت آن شد که ناآتش آه سید جمال الدین افغانی گرفتار شده مرغ جانش سوخته شود که در شب یکشنبه بیست و دوم شهر رجب دو ساعت از شب گذشته

(خدنگ مار کش با مار شد جفت)

(قضایم خنده زد هم آفرین گفت)

امین السلطان بعد از مراجعت از مجلس در جلوهٔ بهارستان هدف گلولهٔ مشهومی عباس آقای صراف ارومیه که از فدائیان ملت و وطن در نمرهٔ ۴۹ بوده واقع شده تیر را بشاه شده بعد از نیم ساعت کشته گردید *

(آه دل مظلوم بسوهان ماند)

(گر خود نبرد برده تیز کند)

و آن فدائی ملت و وطن پرست یگانه جبههٔ اینکه مبادا گرفتار یارتی عبدهٔ میرزا علی اصغر خان بشود فی الفور از غیرت شش لول را در دهن خود گذاشته آتش میدهد و جان خود را فدای ملت مینماید فاعتبروا یا اولی الابصار *

(محنت خم شکست و من سر آن)

(سب بالن والجروح قصاص)

نقل از روزنامهٔ معارف *

اگر کسی میخواست معنی جنبش ملی و غیرت وطنی

را دربارهٔ ملت ایران درست احساس نماید و این معنی را بالعین مشاهده کند خوب بود عصر پرروز که یکشنبه ۲۷ و صبحهٔ عباس آقای فدائی بود بفرستادن شرف بیرون دروازهٔ خانی آباد قدم رنج فرماید و به بند بر گردد مزار محترم عباس آقا صبحه محشری بریاست تقریباً بطول یک فرسخ عرض نیم فرسخ جمعیت موج میزد دیگر خدا میداند تعداد آنها صد هزار یا دویست هزار نفر بیشتر یا کمتر استقدر میدانم جمعیت طهران تخمیناً چهار صد هزار نفر است افلا دو تات جمعیت طهران در آنجا حاضر بودند، گذشته از تمام انجمنها بتفصیلی که درجراوند یومیه درج است هموم ملت بایک هیجان فربس دکان و بازارها را بسته بسته با علمها و طبقاتها و دسته های گل بگرد آن مزار طواف مینمودند افلا پنجاه خروار گل روی آن مزار نثار شد، تمام شاگردان مدارس ملی با علمهای سیاه در آنجا حاضر شده لواج حزن انگیز قرائت کردند در میان انجمنها انجمن توتو فروشها که غالبی ارومیه و همشهریهای عباس آقای فدائی بودند نایش فربس داشت طبقاتی گل و حایچه های میوه و شیرینی زیاد در آنجا حاضر کرده بودند

نقل از روزنامهٔ شریفه مجاهد *

الجلود بالنفس اقصی غایة الجود *

(اگر گویمت خضر مالای نری)

(مسیحت مخوانم معلی نری)

(همان دم که شد خون رمقزت روان)

(از آن زنده گشتند ایرانیان)

(مکان مسیح است در آسمان)

(مکان تو در قلب پیر و جوان)

(نمودم بدین کلمه ختم کلام)

(نه مرده تو زنده والسلام)

(ای دوست جان سپردی الحق بخون بهایت)

(الفت ز ما بریدی ابراف را خریدی)

(تا خلق بداند که ما عاشق و مستیم)

(در راه وطن از سرو از جان بگذشتیم)

(زین پیش با زنده کی تلخ حرام است)

(ای مرگ بسا منتظر راه تو هستیم)

- (گر دشمن ما طعنه زند دوست ملامت)
- (مافارغ از این مرحله خود رحمت به بستیم)
- (ما را بجز از مهر وطن مرحله نیست)
- (گر عهد به بستیم خود او را نه شکستیم)
- (در مهر وطن گر چه سر دار نرفتم)
- (در کوی وفا بر سر خاشاک نه نشستیم)
- (در مسلك ما راه همین بود و همان است)
- (عهدی بوطن کرده و او را نه بستیم)

بخدا که هیچ قوت فوق الوافی قادر نیست برخ
تاریخرا از حرکت خور باز داشته و روسیه آفتاب
جهان تاب را بامدون کل از برتویش جهانی را محروم
بدارد که شه در بازار حوهران تجوی نیرزد و مناره
بند در دامن کوه لوند بست نماید مگر در وطن
عزیز ما (طهران) که هنوز حق گوئ و حق نویسی
از قلم بعضیها امروزه که آفتاب تمدن ایران را فرا
گرفته در حکم کیمیا و عنقا، دفتر پزینش در کار، حق
را کلافی نمی طرد، هم تعلق است و لاف و گزف
اف بر تو ای دنیا وقف بر تو باد ای روزگار نمی دلم
این برده کنی تا کی و بت برستی و خودت باشی تا چند
سبحان الله این امری زده است که نیکم جهل زور
مات (برن) دسوی تمام عنای اسلام و شهت
همه بده و اوسیه و بگده تمام عملا و باسراف
روی زمین خدیت و مذمی که بالاتر از آن بحیال
هیچ مسلمان صبی نرسد ایران و ایرانیان ارده، و
مملکتی مثل ایران را حراب و اعلالی در مدرش را
بدین روز سپه اشده و بعد از آنکه در سیدت و
عمال قبیله ش (معنی عوض خوبهای بر) در
دست يك نفر جوان کای که هنوز از رنگی بری
نخورده و محض خونخوایی وطن مواسات با هس خود
کرده و جهانی را از لوث و خود بین چنین گه هکار
بزرگی پاك نموده و تکبیر اصمالتش رسیده باز علم یکی
از روز نامه سگاران مقتول را اسم تاج شهید و
قاتل را که خود شهید راه وطن بوده اسم (یکی از
اجاسر اهل آذربایجان) در روزنامه خود درج
کرده و چنین ظلم آشکارا بر چنان فدائی وطن بنماید
آیا این برده کنی نیست؟ و تو همین بر شرف تمام مجاهدین
ایران نیست؟ ای دروغ که بدن چنین نازنین جوانی را

بعد از آنکه در کوچهای طهران که تبه الاسلامش
خواهند سه روز

آیا کی غسل داده؟ و کی کفن کرد؟ و آیا کی
نماز خواند؟ و کی بخاکش سپرد؟ ۱۱۱
گویا هنوز وقت آن نرسیده که ما ایرانیان مکافات
خود را از ظلمان بگیریم؟ آیا مواع آن نیامده که
مملکت خود را از جنگ دزدان خاسکی برهانیم؟ آیا
فرصتی هنوز باقی مانده که دوباره بدست خائنات
بسیاریم؟ ای بویسندگان ایران حق بگوئید و حق
بنویسید و از حق مگذرید که خدای مددگار شما است
ای عباس ای جوان مرد خدای شناس و ای مجاهد
حقیق و ای نور دیده آذربایجان غم نخور که روانت
شاد و قبر تو در قلوب اهالی آذربایجان است، ای
آنکه در راه وطن از جلف صریر و شیرین خود
گذشته و خود را فدای ایرانیان نمودی تا ابراست اسم
تو در دام و نام بزرگت در زبانها و روح تو در
اعلا، عابین بوده و اهل وطن و برادران ایرانی فدا
کاری تو را هرگز فراموش نخواهند کرد، و سبلم لذین
سالموا ای منقلب یمنظلمون

استدغای مخصوص ز مجاهدین غیور فقهار و
(آذربایجان و سایر بلاد ایران)

جمعی از غیرت مندان وطن از اداره حبل المتین
خوش نموده اند که برای قائم گذاشتن یادگار عباس
آقا که ما عزیز خود در فدای حرمت ملت و مشروطیت
سلطت نموده در دفتر باسم یادگار او باز نامیم
چون حدیث چون غیور شها شاهدین پیش است لذا
رأی شها بزرگواران را در مواد ذیل لازم می شماریم
(۱) قائم نمودن یادگار برای عباس آقای مجاهد
لازم است باشد

(۲) در صورت لزوم آیا اداره حبل المتین را
در خدمت میدهند هم عباس آقا دفتر یادگار باز نماید؟ و یا
آنکه خودشان در روزنامه شریفه (مجاهد) و یا وسائل
دیگر دفتر بار می نمایند؟ (اما عهده بنده این است که
باز نمودن دفتر درین خصوص در جرائد ملی ایران
مناسب تر باشد، خصوصاً در آذربایجان و اخبار مجاهد
که مذاق پیشش تر است)

(۳) یادگار عباس آقا را بچه چیز باید قائم داشت؟